



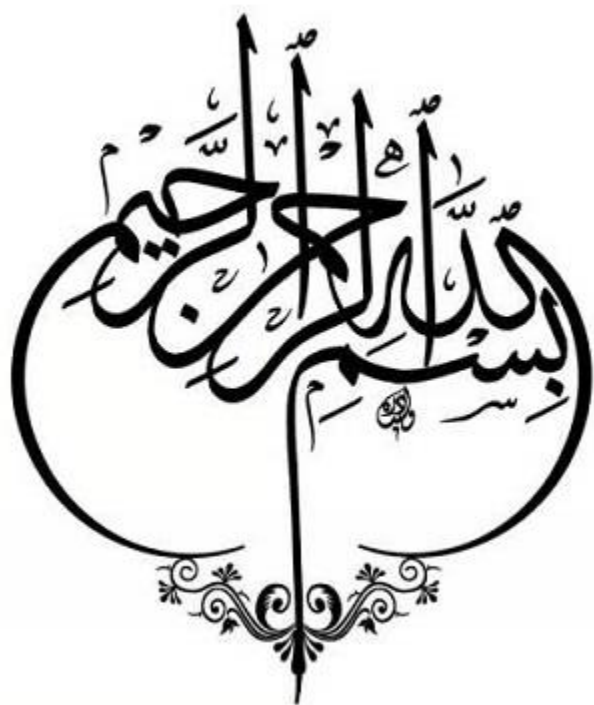
لشکرِ خدا



کلی از

دفتر نهاد نمایندگے مقام معظم رهبری

در دانشگاه اراک



لشکر خدا

کاری از دفتر نهاد رهبری دانشگاه اراک

مسئول پروژه و ناظر کیفیت:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی مهدوی اطهر

محقق:

حجت الاسلام والمسلمین حسین هداوندی

ویراستار و طراح گرافیک:

علیرضا صفری

نسخه اول

@Arak_nahad





فهرست

- مقدمه ۹
- تعریف بسیج ۱۱
- تاریخچه بسیج ۱۴
- بسیج از منظر قرآن ۱۸
- آیه اول ۱۹
- آیه دوم ۲۱
- آیه سوم ۲۲
- آیه چهارم ۲۵
- ماموریت های بسیج ۲۷
۱. مقابله با استکبار: ۲۸
۲. قیام در مقابل انحرافات ۳۱
۳. تحمل صبر و مبارزه علمی و عملی ۳۲
۴. تعلیم و تربیت جوانان در جهت پاسداری از اصول و اهداف انقلاب و نظام ... ۳۴
۵. تفکر ۳۶
- شاخصه های بسیج ۳۹



لشکر خدا

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک



۱. اخلاص ۴۰
۲. اهل ارتباط با خدا ۴۳
۳. شجاعت و شهامت ۴۶
۴. همیشه پیروز ۴۸
۵. استقامت و پایداری ۵۱
۶. تابع ولایت ۵۶
۷. آمادگی برای جهاد ۵۸
۸. اهل بصیرت ۶۱
۹. دشمن شناس ۶۴
- شاخصه های بسیج از نهج البلاغه ۶۷
۱. عاشق جهاد و شهادت ۶۸
۲. حافظان قرآن ۷۰
۳. اهل روزه داری ۷۳
۴. انس با دعا و سحرخیز ۷۵
۵. عمل به وظیفه ۷۷
۶. زنده نگه داشتن یاد شهیدان ۸۲



لشكر خدا

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک



بسیجیان نمونه ۸۷

۱. (سپاه ویژه امیرالمؤمنین) شرطة الخمیس ۸۸

۲. اصحاب سیدالشهدا در عاشورا ۹۴

منابع ۹۸





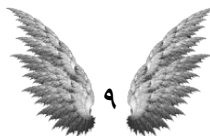
مقدمه

در دوم آذرماه ۱۳۶۲ و در شرایطی که دفاع مقدس پس از هشت سال به پایان رسیده بود، امام امت (ره) با استفاده از تعبیر قرآنی شجره طیبه در فصوص بسیج فرمودند: بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد.

بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذعان شهادت و رشادت سر داده‌اند.

بسیج به معنای مجموعه‌ای از انسان‌هاست که قلبشان به نور «اصل ثابت» دین خدا و مسیر توحید و حق‌پرستی روشن شده است و ثمره اعمالشان که فرعی بر آن اصل است آسمان‌ها را درنور دیده و فلک را سقف شکافته است (بسان حیات مملو از نورانیت و معنویت شهدای اسلام در هشت سال دفاع مقدس)

پس چه تعبیری گویاتر از تعبیر قرآنی شجره طیبه می‌تواند این مفهوم را تداعی کند؟



لشکر خدا

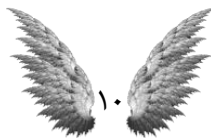
دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک

مجموعه‌ای از انسان‌ها که در هر برهه‌ای از تاریخ با رهروی از راه انبیاء، نفیس‌ترین گوهر هستی خود را در طبق اخلاص نهاده و مشتاقانه به دنبال شهادت و دیدن جمال آن زیبای مطلق، در حرکت‌اند و بخشی از این مجموعه عظیم نیز در دل حرکت انقلاب اسلامی مردم ایران به بروز و ظهور رسید.

لذا در این نوشتار سعی شده است در چند بخش جداگانه به تعریف، شناسنامه، بررسی ویژگی‌ها و مأموریت‌های بسیج پرداخته شود.

مهدی مهدوی اظهر

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک



تعريف بسبح





بسیج به لحاظ لغوی به معنای سامان و اسباب ساز و سازمان جنگ: عزم و اراده، آماده سفر شدن و آماده ساختن نیروهای نظامی یک کشور برای جنگ می‌باشد.^۱

در اساسنامه بسیج مستضعفین، بسیج را به این صورت تعریف کرده‌اند:

«بسیج نهادی است تحت فرماندهی مقام معظم رهبری که هدف آن نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و جهاد در راه خدا و گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و همچنین کمک به مردم هنگام بروز بلا و حوادث غیر مترقبه می‌باشد.»

تعریف بسیج در کلام بنیان گذار انقلاب این‌گونه آمده است.

بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت تعیین و حدیث عشق می‌دهد.^۲

در فرمایشات رهبر انقلاب امام خامنه‌ای بسیج این‌گونه تعریف شده است:

۱. فرهنگ دهخدا

۲. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۹۴



لشکر خدا

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک



بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان (ارواحنا و فداه) و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است.^۱

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۱، صفحه: ۴۵.



تاریخچه بسیج





۲۹ آبان تا ۵ آذر در تقویم ملی کشور «هفته بسیج» نام گرفته و دلیل آن هم دستور تشکیل بسیج مستضعفین از سوی امام خمینی (ره) در ۵ آذر ۱۳۵۸ است. امام خمینی (ره) در بخشی از این سخنرانی که در جمع سپاهیان بیان کردند به مسئله تشکیل بسیج اشاره کرده و فرمودند: «اگر یک ملت که همه جوان‌هایش مجهز باشند به همین جهازی علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به جهازهای مادی هم باشند، سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند، همچین نباشند که یک تفنگی دستشان آمدند ندانند با آنچه بکنندش. باید یاد بگیرد و یاد بدهد رفقایان را. جوان‌ها را یادشان بدهید و همه‌جا باید این‌طور بشود که یک مملکت بعد از یک‌چند سالی بشود یک کشوری با ۲۰ میلیون جوان که دارد بیست میلیون تفنگدار داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد و این‌یک همچون مملکتی آسیب‌بردار نیست. و الآن هم الحمدلله آسیب‌بردار نیست. الآن هم ما پشتیبانمان خداست و ما برای او نهضت کردیم، برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم و خدا با ماست.»^۱

این چنین بود که مقدمات تشکیل بسیج با نام اولیه سازمان بسیج ملی فراهم شد. چند ماه پس از سخنان امام (ره) درباره ارتش ۲۰ میلیونی، شورای انقلاب در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی را

۱. صحیفه امام ج ۱۱ ص ۱۲۱





تصویب و برای اجرا به وزارت کشور ارسال کرد و بعدها نام آن به بسیج مستضعفین تغییر پیدا کرد.

همچنین امام خمینی (ره) در پیامی در تاریخ ۲ آذر ۱۳۶۷ به مناسبت هفته بسیج می‌فرمایند: «حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود! بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت‌یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چراکه در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام... باید برای شکستن امواج طوفان‌ها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیل آفت‌ها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند،





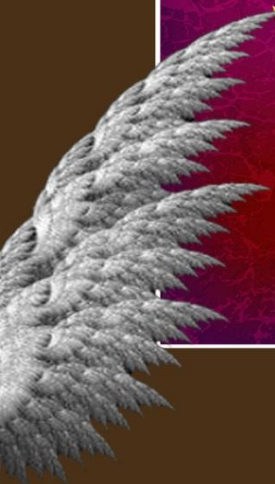
چراکه در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. خلاصه کلام، اگر بر کشوری نوای دل‌نشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان خواران از آن دور خواهد گردید و آلا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد.»^۱

بیانات امام (ره) در مورد بسیج نشان می‌دهد که در نگاه ایشان مسائل معنوی؛ اعم از ایمان، صبر، اخلاص و ایثار و مسائل مادی؛ اعم از آشنایی به مسائل نظامی و توانایی علمی، دو بال این نیرو هستند که باید هر بسیجی مسلح به این دو مؤلفه باشد. در چنین صورت است که تفکر بسیجی به معنی واقعی شکل گرفته و می‌تواند کشور را از توطئه‌ها و هجمه‌های دشمن مصون نگه‌داشته و قدرت ملی را برای ساخت کشوری توانمند افزایش دهد.

۱. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۹۴



بسیج از منظر قرآن





در قرآن کریم خداوند متعال آیات متعددی را نازل کرده است که می‌توان از آن‌ها این معنی را برداشت کرد که در خداوند در صدد بیان این بوده است که خصلتی را برای بسیجیان مطرح کند و یا این‌که بنابراین که خداوند در مورد شاخصه‌های یاران صحبت کرده که در آن‌ها خصلت‌هایی بوده است که مثل بسیجی امروزی هست می‌توان این آیات را در مورد بسیجیان به کاربرد و از این آیات این استفاده را برد که خداوند صفات بسیجیان را مطرح کرده است و برخی از آیات از این قبیل می‌باشد:

آیه اول

«وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيًّا كَثِيرًا»^۱

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند.

در موردشان نزول این آیه این گفته شده است: ابن عباس و قتاده و ضحاک و مجاهد گویند که سبب نزول آیه چنین بود وقتی که شایع کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد کشته شده عده‌ای گفتند اگر محمد پیامبر می‌بود هرگز کشته نمی‌شد عده دیگری گفتند ما با کسانی که پیامبر با آن‌ها جنگیده جنگ می‌کنیم، و علت شکست مسلمین هم اخلاقی بود که به وسیله

۱. آل عمران: ۱۴۶



لشکر خدا

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک

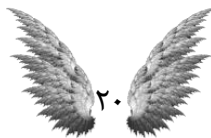


خود آن‌ها برای به دست آوردن غنیمت ایجاد شده بود در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن‌ها را از خالی کردند جایگاه خود نهد و دستور داده بود که به هیچ وجه آن جایگاه را خالی نگذارند زیرا می‌ترسید که مشرکین کمین کرده و ناگهانی حمله ببرند وقتی که مشرکین فرار کردند مسلمین در تعقیب آن‌ها برآمدند و به خاطر به دست آوردن غنائم سنگ‌های خود را خالی گذاشتند در همین وقت خالد بن ولید با دویست سوار سر رسید و مسلمین را که از جایگاه و سنگر خود منحرف شده و برخلاف دستور پیامبر رفتار کرده بودند شکست داد و در همین وقت بود که شایع نمودند محمد مرده است، سپس این آیه نازل گردید.^۱

کلمه کاین کلمه‌ای است که برای افاده کثرت به کار می‌رود و در فارسی به معنای چه بسا است و کلمه (من) در اینجا بیانیه است و کلمه (ربیون) جمع کلمه (ربی) است که نظیر کلمه (ربانی) به معنای کسی است که مختص برای رب‌العالمین باشد یعنی جز به کار خدا به هیچ کار دیگر مشغول نباشد ولی بعضی گفته‌اند مراد از این کلمه هزاران و مراد از کلمه (ربی) هزار است و کلمه (استکانت) که مصدر فعل (استکانوا) است به معنی تضرع و زاری است.^۲

۱. نمونه بینات در شأن نزول آیات، ص ۱۵۴

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۶۲



در این آیه شریفه خداوند می‌فرماید: «قَاتِلْ مَعَهُ رَبِّيْونَ كَثِيْرًا» با او تربیت‌شدگان بسیاری جنگیدند. شاید بتوان از این قسمت این مطلب را نتیجه گرفت که اولین شاخصه افراد بسیجی این می‌باشد که از ابتدا باید با امام جامعه همراه باشند و با او باید همراهی کنند به این بیان که تفکر آن‌ها با تفکر امام جامعه باید یکی باشد. و به این نکته هم باید توجه داشت که رزمندگان عالم، عارف، باایمان و صابر، نه روحیه‌ی خود را می‌بازند و سست می‌گردند، نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند و نه تسلیم فشارها می‌شوند.

آیه دوم

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُوْنَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»^۱

و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم‌سازید

خداوند در این آیه به‌صراحت می‌فرماید که خودتان را برای مقابله با کافران آماده کنید و در اینجا نفرموده است که کدامین گروه این کار را انجام دهند بلکه خطاب به‌طورکلی و عام می‌باشد و همه مردم را در بر می‌گیرد بسیج هم

۱. انفال: ۶۰





همین گونه می باشد که برای همه مردم است و فقط مخصوص عده ای خاص نمی باشد این آمادگی هم به صورت کلی و عمومی آمده است طرف مقابل هم دشمن است که خداوند دستور داده است که در مقابل دشمن همیشه آماده باشید و خود را برای نبرد همیشه آماده نگه دارید و خداوند نفرموده با چه چیزی خود را آماده کنید بلکه اطلاق عام است و شامل هرگونه از آمادگی می شود. و شاید بتوان از این خطاب خداوند این معنی را هم برداشت کرد که فقط تشکیل بسیج کفایت نمی کند بلکه باید بعد از تشکیل بسیج مانور نظامی هم برگزار کنیم تا ترس در دل دشمنان خدا قرار بگیرد.

آیه سوم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا»

ای اهل ایمان! [در برابر دشمن مهیا و آماده باشید و] سلاح ها و سازوبرگ جنگی خود را بگیرید، پس گروه گروه یا دسته جمعی [به سوی جنگ با دشمن] کوچ کنید.

معلوم است که تحریک مؤمنین به سوی جهاد جز این که مردم مطیع خدا و رسول و اولی الامر باشند، به نتیجه نمی رسد مخصوصاً در ایامی که این آیات نازل می شده مؤمنین در محنتی شدید قرار داشتند، چون نزول این آیات در ربع



دوم از مدت اقامت رسول خدا (ص) در مدینه بوده، که دشمنان دین از هر طرف هجوم آوردند، تا نور خدا را خاموش سازند، و بنیان دین را که در حال بالا رفتن بود براندازند، رسول خدا (ص) از یک طرف با مشرکین مکه و طاغوت‌های قریش می‌جنگید، و از سوی دیگر سربیه (لشکر کوچک) ها به اطراف شبه جزیره عربستان گسیل می‌داشت، و از سوی دیگر سرگرم استوار ساختن پایه‌های دین در بین مؤمنین بود، و از سوی دیگر در داخل با جمعیت منافقین که مردمی نیرومند و پولدار و صاحب نفوذ بودند روبه‌رو بود، جمعیتی که در روز جنگ احد معلوم شد عددشان از نصف مسلمانان خیلی کمتر نبوده (در سابق که روایات جنگ احد را نقل کردیم گذشت، که رسول خدا (ص) در روز جنگ احد با هزار نفر سرباز از شهر بیرون رفت و از این عده سیصد نفر با عبد الله بن ابی برگشتند، و هفت صد نفر با رسول خدا (ص) ماندند). و این منافقین دائماً چوب لای چرخ اسلام می‌گذاشتند و امور را علیه رسول خدا (ص) واژگونه می‌کردند، و همواره در انتظار بلایی برای آن جناب بودند، و مؤمنین را که بعضی از آنان بیمار دل بودند و از منافقین شنوایی داشتند، از عمل به دستورات آن جناب مانع می‌شدند، و از سوی دیگر اطراف شهر مدینه و پیرامون، و مسلمانان آنجا، قبایلی از یهود بودند، که دائماً برای مؤمنین دردسر ایجاد می‌کردند، و با آنان می‌جنگیدند و اتفاقاً عرب مدینه از عهد قدیم به چشم احترام به آن‌ها نگاه می‌کردند. و امر آنان را و یا بگو تمدن و شیوه زندگی آنان را - عظیم می‌شمردند، و یهود سخنان باطل و ضد دین در ذهن مسلمانان القا می‌کردند و احادیث





گمراه‌کننده‌ای که باعث بطلان اراده صادق آنان بود تلقین می‌نمودند، و به این وسیله تصمیم جدی آنان را سست می‌کردند، و همین یهودیان و منافقین، مشرکین را علیه مسلمانان تشجیع می‌کردند، و در مقاومت علیه مسلمین دل‌خوش می‌ساختند و در بقا و ادامه بر کفر و جمود خود تشویق نموده، و وادارشان می‌کردند تا بیشتر به آزار مسلمانانی که در مکه بودند پردازند.

بنابراین می‌توان گفت که این آیات مثل اینکه در همین مقام است، که کید یهودیان علیه مسلمین را خنثی کند، و آثار القانات آنان بر مؤمنین را از بین ببرد، و اگر در ضمن سخنی از منافقین به میان آورده، نظیر تتمیم ارشاد مؤمنین و تکمیل بیدارباش آنان است، تا وضع حاضر خود را بشناسند، و در امر خود بصیرتی داشته باشند، و از دردی که بی‌خبر از خود آنان در درون‌دل‌هایشان پنهان‌شده بر حذر باشند، دردی که در جمع آنان نفوذ کرده است، و آن درد خوش‌باوری نسبت به یهودیان و شیفتگی نسبت به تمدن و مال و ثروت آنان است، تا به این بیدارباش کید دشمنان خارج از محیطشان که به آنان احاطه دارند را باطل کند، و دل‌های مؤمنین را که از شدت محنت به گلوگاهشان رسیده دوباره به درون سینه‌هایشان برگرداند^۱.

۱. ترجمه تفسیر المیزان ج ۴ ص ۶۶۵





خداوند متعال در این آیه همه کسانی که ایمان آورده‌اند را فراخوان داده است به این که بسیج شوند و برای مقابله با دشمن آماده باشند که این خود این آمادگی در برابر دشمن دلالت دارد بر بسیج شدن و بسیجی بودن که همیشه در مقابل دشمن خود بیدار است و در حال آماده‌باش می‌باشد و خداوند تأکید بر تشکیل بسیج را با این بیان دارد که کوچ کنید برای جنگ با دشمن و این دستور را هم به دو گونه بیان فرموده است یکی به این صورت که گروه‌گروه بروید و یا این که همه باهم دیگر به سمت دشمن بروید و این بیان که دسته‌جمعی بروید دلالت دارد بر بسیج عمومی که همه مردم با ایمان باید بسیجی باشند و اهل بسیج باشند

آیه چهارم

انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

با شتاب با تجهیزات سبک و سنگین [و سواره، پیاده، پیر و جوان به سوی میدان نبرد] بیرون روید، و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید که اگر دانا [ی به حقایق] باشید این برای شما بهتر است.

خداوند متعال در این آیه از قرآن دو کلمه‌ی «خِفَافًا» و «ثِقَالًا» را با هم آورده است شاید منظور از این دو کلمه این باشد که همه باید برای تشکیل بسیج اقدام کنند و هیچ کس نباید بهانه تراشی داشته باشد و این حکم را وظیفه همه مردم می‌داند که باید در آن شرکت کنند چه پیر و چه جوان همه باید به آن تن



لشکر خدا

دفتر نهاد علمی و مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک



دهند و در برابر حکم خداوند همه مردم مسئول می باشند که آن را انجام دهند و هیچ کس نمی تواند از آن سرپیچی کند.



ماموریت های بسیج





بسیج به‌عنوان یکی از سازمان‌های نظامی رسالت‌هایی را پیش رو دارد که برای رسیدن به این اهداف عالی‌ه باید این رسالت‌ها را انجام دهد در واقع «رسالت» که از آن با عناوینی چون مأموریت، فلسفه وجودی، اهداف بنیادین و یا مقصود اصلی نیز یاد می‌شود، عبارت است از فلسفه وجودی و یا نقشی که یک مجموعه در قبال جامعه خود، برعهده‌گرفته تا با ایفای آن و ارائه خدمات موردنظر، نیازهایی از جامعه را برآورده سازد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت، مأموریت یک بیان کلی از نیت مجموعه می‌باشد که با استفاده از نقطه نظرات مدیران ارشد آن مجموعه، تعریف و تصریح شده و در قالب «بیانیه مأموریت» مجموعه، ارائه می‌گردد. با توجه به مجموعه سخنان بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب می‌توان مأموریت‌هایی را برای بسیج تعریف کرد که از این قبیل می‌باشند:

۱. مقابله با استکبار:

یکی از برنامه‌های مهم سازمان بسیج و خود بسیجیان باید این باشد که هر حرکتی را که انجام می‌دهند به‌عنوان مقابله با استکبار باشد و هیچ‌گاه فراموش نکنند که ما یک دشمن قسم‌خورده داریم که شبانه‌روز علیه این نظام و مملکت اسلامی نقشه می‌کشد فلذا اولین برنامه و هدف هر فرد به‌عنوان بسیج باید این باشد که با استکبار مقابله کند و همه سعی و تلاش خودش را انجام دهد که تمام





فعالیت‌های او بر علیه استکبار باشد در همین مورد حضرت امام راحل خطاب به بسیجیان می‌فرماید:

«من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گردانند، چراکه در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام. من مجدداً به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولین عرض می‌کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگ‌ترین ساده‌اندیشی این است که تصور کنیم جهان خواران خصوصاً امریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته‌اند؛ لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت امریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - موج می‌زند. باید برای شکستن امواج طوفان‌ها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیل آفت‌ها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چراکه در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.»^۱

رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

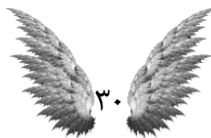
۱. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۹۵





«بسیج در حقیقت، مظهر یک وحدت مقدّس، میان افراد ملت است. همه میدان‌هایی که بسیج در آن حضور پیدا کرده است، میدان‌های ملی است؛ میدان‌های مربوط به همه ملت - مثل میدان دفاع مقدّس، میدان سازندگی و خدمات عمومی - است. هیچ‌وقت کشور، از یک مجموعه عظیمی که از بهترین فرزندان کشور و با این خصوصیات تشکیل شده است، بی‌نیاز نیست.... نظام اسلامی به همّت والای ملت ایران و آن رهبری الهی، توانسته است الگویی در دنیا درست کند که امروز بسیاری از ملت‌های مسلمان، به آن الگو نگاه می‌کنند. شما خیال می‌کنید که استکبار، از چنین چیزی به‌آسانی می‌گذرد؟! امروز در هر جای کشورهای اسلامی و حتّی بعضی کشورهای غیر اسلامی، هر ملت و هر جمعیتی که می‌خواهد علیه زیاده‌طلبی‌های استکبار جهانی اعتراضی بکند، با شعار شما ملت ایران - حتّی با تمسک به نام ملت ایران و به امام راحل - این کارها را می‌کند! امریکا و ایادی استکباری و دنباله‌روها و جیره‌خوارهایش، از این نمی‌گذرند؛ مبارزه می‌کنند، توطئه، حيله‌گری، و کید و مکر می‌کنند. مثل این‌که تابه‌حال در این هجده سال کردند. البته کید و مکر دشمن، در مقابل آگاهی و بیداری و حضور و فعالیت درست ملت و دولت، خنثی خواهد شد و اثری نمی‌کند؛ اما باید بیدار بود، باید هوشیار بود، باید رابطه را با خدا قوی کرد، باید اخلاص را تقویت کرد.»^۱

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۹، صفحه: ۲۹





۲. قیام در مقابل انحرافات

یکی از ملزومات و وظایفی که یک بسیجی باید برای خود داشته باشد این است که در مقابله با انحرافات مبارزه داشته باشد مخصوصاً انحرافات فکری که گاهی پیش می‌آید هر شخص به‌عنوان یک بسیجی باید خود را موظف بداند که در مقابل با تمامی انحرافات که در جامعه اسلامی پیش می‌آید حضرت امام در این‌باره سخنان خود را این‌گونه بیان می‌کنند:

«اکنون به حمد الله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده. و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتب‌های انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاه‌ها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود. و وصیت این‌جانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد»^۱

در این‌باره مقام معظم رهبری خطابی به بسیجیان دارند و اشاراتی را به آن‌ها می‌کنند «از جمله‌ی اساسی‌ترین کارهایی که بر عهده‌ی بسیج است و در بافت درونی هویت بسیج دخالت دارد، عبارت است از حمایت و دفاع از اصول

۱. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۴۳۱





مسئلم اسلامی. این هم در بیانات امام هست؛ اصول تغییرناپذیر اسلامی. اینجا بسیج، يك نقش فرادوره‌ای پیدا می‌کند. بسیج نگاه می‌کند ببیند که این حرکت عمومی انقلاب و نظام از مسیر درست منحرف نشود؛ مراقب است که انحراف به وجود نیاید؛ هر جا انحرافی مشاهده شد، بسیج در مقابل آن می‌ایستد. این از جمله‌ی خصوصیات است که مربوط به بسیج است؛ یعنی در مقابل انحرافات می‌ایستد. خط مستقیم به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی، بدون هیچ‌گونه انعطاف و انحراف؛ از خصوصیات بسیج این است. این دیگر نگاهی از بالاست، نگاهی فرادوره‌ای است؛ در واقع فرازمانی است. در بعضی از بخش‌ها ممکن است اشکالاتی پیش بیاید؛ حرکت عمومی باید حرکت مستقیمی باشد. این نگاه، نگاه بسیجی است.»^۱

۳. تحمل صبر و مبارزه علمی و عملی

یکی از کارهایی که بسیجیان باید برای خودشان داشته باشند این است که هم صبر داشته باشند و هم بتوانند مبارزه علمی داشته باشند یعنی در مجامع علمی این وظیفه‌ای است که بسیجیان باید برای خود داشته باشند و بتوانند بیشترین رشد علمی را داشته باشند حضرت امام راحل در بیاناتی آینده انقلاب را روشن می‌بینند و از همه مردم بالخصوص جوانان می‌خواهند که رشد علمی

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۳، صفحه: ۴۵





خود را بالا ببرند از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نباشند و به آینده کشور امیدوار باشند «من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.»^۱

مقام معظم رهبری در بیاناتی از صبر در مشکلات سخن می‌گویند و اشاره دارند که دشمنان می‌خواهند این صبر را از ما بگیرند و برای مقابله با دشمن اشاره به صبر و بصیرت می‌نمایند:

«دو عنصر مهم برای مواجهه با این دشمنی‌ها لازم است - که بنده همیشه توصیه کرده‌ام، بازهم توصیه می‌کنم - دو خصوصیت در آحاد مردم لازم است: یکی عبارت است از بصیرت، و دومی عبارت است از صبر و استقامت، که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمی‌تواند بکند، هیچ لطمه‌ای نمی‌تواند بزند، هیچ توفیقی در مواجهه و مقابله‌ی با نظام اسلامی به دست نمی‌آورد؛ بصیرت و صبر. این همان است که امیرالمؤمنین فرمود: «وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» که این در خطبه‌ی ۱۷۳ نهج البلاغه است.

۱. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۹۶





بصیرت یعنی چه؟ بصیرت یعنی تیزبین بودن و راه درست را شناختن. انسان گاهی اشتباه می‌کند؛ حالا احتمال اشتباه انسان‌های ابتدائی و تازه‌کار که بیشتر است، آدم‌های قدیمی و مجرب هم مواردی اشتباه می‌کنند راه درست را؛ بایستی مراقبت کرد که انسان در شناخت راه درست اشتباه نکند؛ در غبار آلودگی فتنه‌ها بتواند راه را پیدا کند و بفهمد راه درست چیست؛ بصیرت به این معنا است. صبر یعنی چه؟ صبر یعنی استقامت در این راه، زاویه پیدا نکردن با این صراط مستقیم و پای فشردن بر حرکت در این صراط مستقیم؛ این به معنای صبر است. صبر را بد معنا نکنند، صبر را جور دیگری [معنا نکنند]. البته غالباً دشمنان یا کسانی که آگاهی درستی ندارند صبر را بد معنا می‌کنند؛ صبر یعنی اینکه انسان استقامت بپورزد، پافشاری کند، ایستادگی کند، راه را ادامه بدهد، متوقف نشود؛ این معنای صبری است که در مقابله‌ی با دشمنان به کار می‌رود.»^۱

۴. تعلیم و تربیت جوانان در جهت پاسداری از اصول و اهداف انقلاب و

نظام

یکی دیگر از چیزهایی که بسیج باید داشته باشد این است که به فکر تعلیم و تربیت جوانان باشد آن‌هم تعلیم و تربیتی که در جهت اهداف مقدس انقلاب

۱. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۲۱/۱۲/۱۳۹۹





اسلامی باشد زیرا یکی از مشکلات بزرگ این است که برخی از جوانان اهداف انقلاب را فراموش کرده‌اند و از یاد خود برده‌اند که باید برای این انقلاب جنگید و کشور ما امروزه به این احتیاج دارد که افرادی باشند که از کیان این انقلاب دفاع کنند تا دشمنان نتوانند با توجه به نفوذی که دارند مردم این کشور را از انقلاب دور کنند و بین مسئولین و آحاد مردم فاصله فکری قرار دهند. حضرت امام خمینی می‌فرمایند که:

«و جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفان و متصدیان امور جنگ‌زدگان و آوارگان بر قدرت فعال خود بیفزایند. و بسیج مستضعفان- که سالروز آن را به ملت ایران و جوانان متعهد و مؤمن تبریک می‌گوییم- در تعلیم و تربیت به جوانان و نوجوانان مساعی جمیله خود را روزافزون کند.

و نویسندگان و روشنفکران متعهد و رسانه‌های گروهی بر حجم تبلیغات خود افزوده و تبلیغات دامنه‌دار دشمنان جمهوری اسلامی ایران را خنثی نمایند. و شورای [انقلاب] فرهنگی کوشش کنند که با کمک مستضعفان و دانشمندان، دانشگاه‌ها باز و به کار خود ادامه دهند؛ و بر عالمان دانشمند است که دعوت شورا را در این امر حیاتی لبیک‌گویند. و ملت شریف که انقلاب اسلامی را





به‌پیش بردند، در تمام مشکلات جنگی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی با متصدیان این امور همراهی و همفکری نمایند.»^۱

۵. تفکر

یکی از اصولی که برای بسیجیان شمرده می‌شود این است که آن‌ها اهل تفکر باشند و به بیان دیگر این‌که بدانند برای آینده خود و کشور چه برنامه‌ای باید داشته باشند این در واقع این معنی شاید همان معنی تفکری است که پیامبر خدا فرمودند که بالاتر از عبادت یک سال است «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِكْرُهُ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»^۲ این‌که یک تفکر باشد که بتواند برای آینده خود و کشور خود به‌خوبی برنامه‌ریزی داشته باشد و بتواند خودش را برای آینده و مشکلات آتی آماده کند رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید

من چند جمله‌ی کوتاه درباره‌ی این تفکر - تفکری که قاعده‌ی بسیج است، پشتوانه‌ی بسیج است، عقبه‌ی فکری بسیج است - عرض می‌کنم. دو نکته را من در این مورد عرض می‌کنم، [که] جای فکر کردن و بحث کردن و کار کردن دارد. پایه‌ی این تفکر، اعتقاد به مسئولیت انسان است؛ مسئولیت انسان. انسان موجودی است مسئول. نقطه‌ی مقابل این فکر، حالت احساس بی‌مسئولیتی،

۱. صحیفه امام ج ۱۵ ص ۳۸۷

۲. مصباح الشریعة، ص ۱۱۴





«ولش کن»، «برو خوش باش»، «به خودت پرداز» است. پایه‌ی فکری بسیج این مسئولیت الهی است که حالا عرض می‌کنم مبانی دینی مستحکمی دارد. نه فقط مسئولیت در برابر خود و در برابر خانواده‌ی خود و نزدیکان خود - که این هست - بلکه مسئولیت در قبال حوادث زندگی؛ در قبال سرنوشت جهان، سرنوشت کشور و سرنوشت جامعه، چه مسلمان، چه غیرمسلمان. این احساس مسئولیت فقط نسبت به انسان‌های هم‌عقیده و مسلم و مؤمن نیست، بلکه حتی نسبت به غیر مسلمین و غیر مؤمنین هم احساس مسئولیت می‌کند.

دومین پایه که در کنار این هست که مکمل پایه‌ی اول است، عبارت است از بصیرت، روشن‌بینی. یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است. همیشه با یک سلاح نمی‌شود مبارزه کرد. در همه‌ی میدان‌ها با یک سلاح نمی‌شود رفت. کدام سلاح را به کار بیندازیم؟ دشمن کجا است؟ بارها من عرض کرده‌ام این‌هایی که بصیرت ندارند - مثل این بیچاره‌هایی که در فتنه گرفتار شدند - مثل کسانی‌اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار می‌خواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خب نمی‌داند دشمن کجا است؛ یکی از اولین شرایط جنگ‌های نظامی، اطلاعات است؛ بروید اطلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون



لشکر خدا

دفتر نهاد علم و فن در مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک

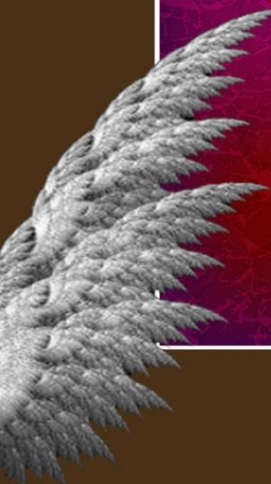


اطلاع رفتید، شما ممکن است جایی را بزینید که دوست آنجا است؛ کسی را بزینید که با شما دشمن نیست و به دشمن کمک کنید؛ گاهی این جوری می شود.

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۶، صفحه: ۳۸.



شاخه های بسیج

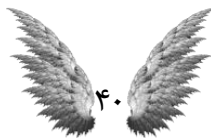




با توجه به کلام امامین انقلاب که بارها و بسیار زیاد برای بسیج و بسیجیان وقت گذاشته‌اند و سخنانی را ایراد کرده‌اند می‌توان شاخصه‌هایی را برای بسیج و افراد بسیجی نام برد که هر کدام را در ادامه به صورت تفصیلی بحث خواهیم کرد که یک فرد به‌عنوان بسیجی چه شاخصه‌هایی باید داشته باشد و این‌که آیا می‌توان صرفاً به دلیل این‌که یک نفر در ارگان بسیج ثبت‌نام نکرده است او را بسیجی ندانست و شخصی که به‌عنوان یک عضو در بسیج ثبت‌نام کرده است او را بسیجی دانست با اینکه شاید شاخصه‌های یک بسیجی را هم دارا نباشد فلذا در اینجا شاخصه‌ها را بررسی می‌کنیم تا بدانیم چه کسی می‌تواند به‌عنوان یک بسیجی باشد و چه شاخصه‌هایی را باید دارا باشد که به چنین شخصی بسیجی بگویند.

۱. اخلاص

اولین و شاید مهم‌ترین شاخصه برای بسیجی بودن این است که هر فردی اخلاص کامل را داشته باشد و فقط کارها را برای خداوند متعال انجام بدهد و اهمیت آن از این جهت مشخص می‌شود که شرط پذیرفته شدن همه اعمال می‌باشد و اگر اخلاص نباشد قرب به خداوند متعال هم انجام نمی‌گیرد و برعکس هرچه قدر فرد اعمال خودش را بدون اخلاص بخواهد انجام دهد از خداوند دورتر می‌شود در قرآن کریم آیات زیادی هستند که به این مسئله اشاره دارند که تنها در این قسمت یک آیه را به‌عنوان نمونه می‌آوریم و بررسی می‌کنیم





«قُلِ اللَّهُ أَغْبَدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي»^۱

بگو: من مأمورم که خدا را درحالی که ایمان و عبادت را برای او [از هرگونه شرکی] خالص می‌کنم، بپرستم.

یک دستور که از سمت خداوند به پیامبر نازل شده است این است که ایمان و عبادت باید همراه با اخلاص باشد و غیر از خداوند چیزی نباید همراه او باشد و اخلاص یعنی اندازه تصمیم‌گیری‌ها در هر امری خداوند متعال باشد و خداوند را در همه امور بر خود ناظر ببینیم در روایت از پیامبر نقل شده است که این چنین فرمودند: «أَخْلِصْ قَلْبَكَ يَكْفِيكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ» قلبت را خاص کن خداوند از عمل کم راضی می‌شود

چیزی که از این روایت برداشت می‌شود این است که خداوند عمل کم ولی با اخلاص را می‌خرد و ظاهر چیزی که ما باید داشته باشیم اخلاص می‌باشد لذا حضرت امام خمینی خطاب به بسیجیان این‌گونه می‌فرماید

«و شما که جان‌نثاری دارید می‌کنید و ایثار می‌کنید و با ایده شهادت به میدان‌های جنگ می‌روید و از اسلام دفاع می‌کنید و از مکتب دفاع می‌کنید و کشورهای را که [چشم] طمع به این کشور دوخته‌اند مأیوس می‌کنید، همه

۱. زمر: ۱۴

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۰، ص ۱۷۵



لشکر خدا

دفتر نهاد امامت و مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک



این‌ها ارزشمند و بسیار ارزشمند، لکن آن اخلاص و محبت شما و آن ایثار در راه خدا، بالاترین ارزش است برای شما. آن ایثار و اخلاص است که حتی در ترازوی عالم غیب هم نمی‌شود که سنجش بشود. آن پیش‌خداى تبارک‌وتعالی سنجش می‌شود»^۱

رهبر انقلاب هم به‌عنوان یکی از شاخصه‌ها برای بسیج بحث اخلاص را مطرح می‌فرمایند:

«من به شما عزیزانم عرض کنم که یکی از برجسته‌ترین خصوصیاتى که ما برای فرد بسیجی قائل هستیم، عبارت است از صفا و خلوص. اخلاص و معنویت بسیجی و ارتباط با خدا در بسیجی، يك خصوصیت عمده است. من از این اجتماع بزرگ شما استفاده می‌کنم و به همه‌ی شما و همه‌ی کسانی که صدایم را می‌شنوند یا بعداً خواهند شنید عرض می‌کنم: عزیزان من! رابطه‌ی خودتان را با خدا، هرچه می‌توانید مستحکم‌تر کنید؛ بخصوص در این ماه‌های مبارک ماه رجب و ماه شعبان که ماه‌های دعا، استغاثه، رابطه گرفتن با خدا، و راز و نیاز کردن با معشوق حقیقی هر انسان است. در این ماه‌ها، خود را برای ورود بر سر سفره‌ی ضیافت الهی در ماه رمضان آماده کنید.»^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۹۸

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۹، صفحه: ۲۹





۲. اهل ارتباط با خدا

یکی دیگر از ویژگی‌های بسیجیان این می‌باشد که باید در تمام شبانه‌روز خود اهل ارتباط با خدا باشند و از یاد خداوند غافل نشوند و این ارتباط باید همیشگی باشد و این مطلب درستی است که هرچه قدر ارتباط با خداوند بیشتر باشد خداوند بقیه امور را درست خواهد کرد و راه‌ها را باز خواهد کرد خداوند می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»^۱

بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد

در این آیه از قرآن خداوند می‌فرماید که برای مردم از شما پیروی کنند و شما را دوست داشته باشند باید از من تبعیت کنید و رابطه خودتان را با من قوی کنید و اهل ارتباط با من باشید. در حدیث دیگر خداوند به همه بندگان می‌فرماید: «ورد فی الحدیث القدسی عن الربّ العلیّ أنّه یقول: عبدی أتعنی أجعلک مثلی^۲ بنده ام، از من اطاعت کن تا تو را مانند خود سازم.» فقط مطلبی که در اینجا هست بحث اطاعت و رابطه با خداوند است که ما را می‌تواند بالا ببرد تا

۱. آل عمران ۳۱

۲. الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، ص ۷۰۹





جایی که اطاعت کردن از خداوند می‌تواند ما را به مقام ولایت تکوینی برساند که بتوانیم در طول ولایت خداوند ما هم ولایت داشته باشیم.

امام راحل درباره رابطه با خداوند می‌فرماید: «شما که استناد دارید به ذات مقدس حق تعالی، شما که روحانی هستید، شما که قلبتان با ماوراءالطبیعه است، این عالم شکست ندارد؛ عالم چیزی نیست؛ کسی که رابطه با خدا دارد شکست ندارد؛ شکست مال کسی است که آمالش دنیا باشد. اگر آمل دنیا باشد، شکست است؛ اگر آمل غیب و ماورای غیب باشد، شکست ندارد. شکست مال بیچاره‌هاست؛ شکست مال کسانی است که معتمد به شیطان‌اند و ذخایر دنیا قلبشان را فراگرفته است. اگر یکجایی به ضرر شما تمام شد، قلبتان محکم باشد؛ تا آخرین فردتان بایستید. گمان نکنید این آدم شکست خورد، تمام شد؛ تو هم یک موحدی، تو هم یک مسلمی، تو متصل به خداوندی؛ خدا شکست نمی‌خورد»^۱

تنها چیزی را که امام بر روی آن تأکید دارند همین رابطه با خداوند است که هرکسی که با خداوند در ارتباط باشد پیروز و سربلند است و همچنین مقام معظم رهبری در مورد رابطه با خدا این‌گونه می‌فرمایند:

۱. صحیفه امام ج ۱ ص ۱۱۹





«اما این بسیج، با حضور مردم در جاهای دیگر و کشورهای دیگر، فرق‌هایی دارد. يك ویژگی این است که در بسیج ملت ایران، مایه‌ی اصلی، ارتباط با خداست. جوان بسیجی یا هر قشری از قشرهای آن؛ یعنی مرد و زن و پیر و جوان بسیجی، دارای يك ارتباط معنوی و صمیمی با خداست. این، مایه‌ی اصلی کار است. آن عاملی که موجب می‌شود انسان در میدان‌ها خسته نشود، یاد خداست. آن نیرویی که انسان را در مقابل همه‌ی قدرت‌ها با قوت کامل نگاه می‌دارد، توکل به خداست. اگر توکل و اعتماد به خدا و ارتباط با خدا بود، حرکت مردمی و بسیجی، حرکتی پایدار و ماندگار خواهد بود. و اگر نبود، يك هیجان و اشتعال در برهه‌ای از زمان پیدا می‌شود، ولی باقی نمی‌ماند و از بین می‌رود. شما اگر نگاه کنید، در دنیا کشوری را با خصوصیات کشور ایران پیدا نخواهید کرد که توانسته باشد در مقابل آن‌همه دشمن بایستد، بر آن‌ها غالب شود، موانع را بردارد، راه خود را بگشاید، و در جهت اهداف خود حرکت کند. غالباً در کشورها، در انقلاب‌ها و در حرکت‌های عمومی، به خاطر فشارها و معامله‌گری‌ها، انحراف پیدا شده است. آن چیزی که تا امروز، این حرکت را در ایران اسلامی این‌طور مستقیم به سمت هدف هدایت کرده است، همین ایمان شما، ارتباطتان با خدا و روحیه‌ی دعا و تضرعی است که در نیروهای بسیجی ما وجود دارد. این، همان دعای کمیلی است که شما مقید بودید و هستید بخوانید. این، همان نماز جمعه‌های شماست. این، همان توسلات و توجهات شما به ائمه علیهم‌السلام است. و این پیوند و رابطه‌ی معنوی است که همه‌چیز را حفظ





کرده است. این، يك خصوصیت است که در جاهای دیگر نیست، و باید آن را حفظ کنید.»^۱

۳. شجاعت و شهامت

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که باید بسیجیان داشته باشند این است که دارای دو رکن شجاعت و شهامت باشند و این دو رکن مربوط می‌شود به تقابل با دشمنان این‌که در مقابل دشمن همیشه با روحیه شجاعت و شهامت باشیم و در راه خدا به این آرمان‌ها دست پیدا کنیم.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید»^۲

ظاهر این آیه این است که برای کسانی هست که در جنگ احد شرکت داشتند و در آنجا شکست خوردند ولی خداوند بازهم فرمان خود را صادر کرده است که از مؤمنین کسانی هستند که دو شاخصه دارند یکی قوت در دین، و

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۴، صفحه: ۴۹

۲. آل عمران: ۱۳۹





دیگری تحمّل در سختی‌ها و به‌راحتی از پا در نمی‌آیند و دارای این روحیه استقامت می‌باشند.

امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «آنچه برای این‌جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان - که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم - ارواحنا فداه - هستند، و این است فتح الفتوح. من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی را که در دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم.»^۱

حضرت امام بر این نکته تأکید زیادی دارند که باید روحیه شهادت‌طلبی در بین مردم و مخصوصاً افراد بسیجی باشد مقام معظم رهبری درباره می‌فرماید:

«اهمیت دیگر بسیج در این است که بسیج دارای یک‌جهت و یک بعد و متوجه یک منظور نیست. بسیج با اینکه هنر نظامی دارد و در خطوط مقدم میدان نبرد، هر جا که لازم بوده است، قرار گرفته و سخت‌ترین کارها را به عهده گرفته و انجام داده است، همه‌کاره است؛ یعنی در همه‌ی میدان‌ها وقتی بسیج حضور داشته باشد، پیشرو است، پیشتاز است. امروز جوانان بسیجی ما در

۱. صحیفه امام ج ۱۵ ص ۳۹۵





میدان علم هم پیشرو و پیشتاژند. اساتید بسیجی ما هم در کار علمی جزو موفق‌ترین‌ها هستند. هنرمندان بسیجی ما هم - آن‌کسانی که با روح بسیج وارد میدان هنر شدند - موفقیت‌های بیشتر و بهتری پیدا کردند و توانستند مخاطبان بیشتری را جذب کنند. در هر میدانی وقتی باروحيه‌ی بسیجی، با اخلاص بسیجی، با ایمان بسیجی، با شجاعت و شهامت بسیجی، با قدرت ابتکار بسیجی وارد شوند، می‌توانند کارهای بزرگی را انجام دهند. این، حقیقت بسیج است.»^۱

۴. همیشه پیروز

شخصی که احساس پیروزی در همه زمان‌ها را دارد این چنین شخصی دارای روحیه بسیجی می‌باشد و می‌توان چنین روحیه‌ای را ستایش کرد چون هیچ وقت در هیچ کاری احساس شکست نخواهد کرد فلذا احساس عقب ماندگی برای خود ندارد البته باید این نکته را تذکر داد که این مطلب نباید باعث غرور بی جا و بی مورد شود بلکه باید واقعاً در همه عمل‌ها تمامی سعی و تلاش خودمان را کنیم تا پیروز میان باشیم و از شکست‌ها درس عبرت بگیریم و تمامی شکست‌ها مقدمه یک پیروزی دیگر خواهد بود.

خداوند در قرآن از این روحیه بسیجیان این گونه تعبیر می‌کند که آن‌ها همیشه پیروز هستند و احساس شکست به خود راه نمی‌دهند

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۲، صفحه: ۵۱.





«وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ وَلشکر ما در تمام صحنه‌ها پیروزند.»^۱

سؤال: با آنکه خداوند وعده نصرت و پیروزی مردان خدا را داده است، پس چرا گاهی شاهد شکست آنان هستیم؟

پاسخ: اولاً آن وعده‌های الهی محقق شده و امروز عدد پیروان ادیان آسمانی بسیار بیشتر از پیروان مکاتب بشری است. مخالفان انبیا از میان رفته‌اند و نام و نشانی از آن‌ها نیست. اما نام پیامبران زنده است و مکان‌های منسوب به آن‌ها، مورد احترام مردم. محبوبیت و قداست آن‌ها نزد مردم با هیچ‌یک از دانشمندان و هنرمندان و نویسندگان و شاعران و سیاستمداران تاریخ قابل مقایسه نیست.

ثانیاً: شکست‌های آنان، همواره ناشی از کوتاهی و سستی پیروانشان در انجام مسئولیت‌ها بوده است، نه عدم نصرت و امداد الهی. چنانکه شکست مسلمانان در جنگ احد، ناشی از سستی و اختلاف و نافرمانی آنان بود.

ثالثاً؛ پیروزی علمی و منطقی و عقلی را فراموش نکنیم.

رابعاً؛ هلاکت و قهر الهی درباره مخالفان را از یاد نبریم.

خامساً؛ عمر جهان تمام نشده و با آمدن و ظهور حضرت مهدی تمام اهداف حق عملی خواهد شد.^۱

۱. صفات: ۱۷۳



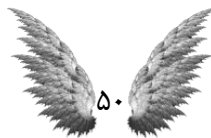


و امام خمینی (ره) فرمود: «رزمندگانِ چنین قدرتمند و عاشقانی چنین معوج جمال ازلی و سربازانی چنین دلباخته که شهادت را آرزوی نهایی خود و جانبازی در راه محبوب را آرمان اصیل خویش می‌دانند. افتخار بر رزمندگانی که جبهه‌های نبرد را با مناجات خویش و راز و نیاز با محبوب خود عطرآگین نمودند. فخر و عظمت بر جوانان عزیزی که در راهی قدم برداشته و پاسداری از مکتبی می‌کنند که شکست‌ناپذیر و سر تا پا پیروزی است. و ننگ بر آنان که در راهی جان خود را هدر می‌دهند و عرض و آبروی خود را می‌برند که پیروزی‌شان شکست و زندگی‌شان ننگ آفرین است.»^۲

رهبر معظم انقلاب در مورد پیروزی‌های بسیج این‌گونه سخن فرموده‌اند «قطعاً حرکت بسیجی در کشور ما پیروز است. شرط اصلی‌ای که این پیروزی دارد این است که همه‌ی ما - جوان‌ها و غیر جوان‌ها - تقوا را و حُسن عمل را برای خودمان یک وظیفه بدانیم. تقوای شخصی و تقوای اجتماعی و گروهی، هرکدام معنایی دارد؛ حالا من درباره‌ی تقوای گروهی هم صحبت کرده‌ام، عرایضی کرده‌ام و دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم. تقوا لازم است؛ خودتان را مراقبت کنید؛ هم مراقبت شخصی کنید، هم مراقبت گروهی کنید. اگر این [طور] شد، خدا فرمود: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ؛ کسانی که

۱. تفسیر نورج، ۸، ص ۷۱

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ۳۹۵





تقوایبشه کنبند و نیکو عمل بکنند، مَعَ الَّذينَ، خدا با اینها است. اینکه خدا با يك جمعی باشد، خیلی مسئلهی مهمی است.»^۱

۵. استقامت و پایداری

یکی دیگر از ویژگی‌های بسیجی این است که دارای استقامت و پایداری در همه زمینه‌ها می‌باشد و اهل شکست نیست در راه خداوند و در راه دین خداوند همیشه اهل استقامت است و از موضع دینی خود هیچ‌گاه کوتاه نمی‌آید. مثل دفاع مقدس و شهادایی که در آن زمان بودند که استقامت آنان در راه خداوند همیشه بیشتر از بقیه مردم بود چون به خداوند و وعده‌هایی که او داده است ایمان کامل داشتند و امروزه اگر استقامت ما کم شده است به این دلیل است که ایمان ما به خداوند کم شده است و به وعده‌های خداوند ایمان نداریم و یا این‌که فراموش کرده‌ایم که خداوند این وعده‌ها را داده است یکی از کسانی که استقامت داشتند شهید بزرگوار علی‌اکبر جزوی بود شهید از خطه اصفهان محمد احمدیان هم‌رزم شهید آن شب را این‌گونه بیان می‌کند «میدان مین به‌سختی دیده می‌شد و آسمان در دل شب، آتش بود و گلوله‌های رسام تیربارها و کالیبرها، یک‌لحظه قطع نمی‌شدند. از شکل حرکت مسیر تیرها می‌شد فهمید که هیچ‌کس توان نشستن ندارد، چه برسد به ایستادن و حرکت به سمت دشمن. تنها راه فرار

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۴۷





به شکل سینه خیز به سمت عقب بود و دور شدن از جلوی دهانه‌ی کالیبری که همه چیز را به هم می‌دوخت.

لحظه به لحظه صدای ناله‌ها بیش‌تر می‌شد، دیگر می‌شد به راحتی صدای برخورد تیر با بدن بچه‌ها را شنید. از دست امدادگرها هم کاری ساخته نبود. معبر دیگر جای پا هم نداشت.

انفجارهای سمت چپ و راست معبر گویای این بود که تعدادی از بچه‌ها برای خلاص شدن از آن شرایط از معبر خارج شده و انفجار مین، آن‌ها را به خاک و خون کشیده بود. حالا فقط به یک معجزه نیاز داشتیم که در اوج ناباوری، اتفاق افتاد. سر کالیبر که قاتل بچه‌ها شده بود و از بس شلیک کرده بود مثل آهن گداخته به خوبی در تاریکی شب می‌درخشید، به سمت آسمان رفت و دیگر کاری با ما نداشت. بچه‌هایی که هنوز سالم مانده بودند و پشت پیکرهای مطهر شهدا پناه گرفته بودند، منتظر چنین لحظه‌ای بودند و با فریاد الله اکبر روی خاک‌ریز عراقی‌ها رفتند و کار را تمام کردند. پیش روی بچه‌ها به سمت عقبه دشمن بسیار خوب و شیرین بود. این پیروزی بزرگ نمی‌توانست لحظه‌های تلخ زمین‌گیر شدن در معبر را از ذهنمان پاک کند و از آن مهم‌تر معجزه‌ای بود که باعث نجات مان شده بود. همه دوست داشتند دلیلش را بدانند که چرا سر کالیبر به یک باره به سمت آسمان رفت.

خبری زبان به زبان در خط پیچید:





کسی " اکبر جزی " را می شناسد؟ بله! جوان بیست و یک ساله ای است. از او خبری دارید؟ در معبر جلوی همان سنگر کالیبر، از ناحیه شکم مجروح شد و روده هایش بیرون ریخت. فکر کنم رفته عقب. روحیه خیلی خوبی داشت. خیر! او به عقب نرفت. اکبر با همان وضعیت جسمی، مثل یک شیر به سمت سنگر کالیبر حمله کرد. خود را به لوله ی گذاخته شده ی تیربار رساند و با دست، سر آن قسمت را به آسمان هدایت کرد. شدت حرارت لوله کالیبر، به قدری زیاد بود که دست اکبر را مثل یک تکه ذغال کرده بود. اما دست دیگر اکبر، روده شکمش را گرفته بود و در همان حال، زیر سنگر کالیبر به شهادت رسید! اکبر جزی، با شکمی دریده و دستی خالی، هم مسیر عبور بچه ها از خاکریز عراق را باز کرده بود، هم مسیر عبور خودش از خاکریز نفسش را!!! خداوند در قرآن وقتی که می خواهد این صفت را ستایش کند این گونه بیان می کند

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ^۱ بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند [و می گویند:] مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می دادند، بشارت باد.»





نتیجه این استقامت در راه خداوند این است که خداوند ملانکی را نازل می‌کند بر افرادی که استقامت کرده‌اند که آن‌ها را یاری کنند و نتیجه استقامت بهشتی است که خداوند آن را وعده داده است و این افراد در همین دنیا نتیجه این استقامت کردن خود را می‌بینید و پاداش آن را دریافت خواهند کرد.

امیرالمؤمنین در کتاب شریف نهج البلاغه این گونه می‌فرماید «وَقَدْ قُلْتُمْ رَبُّنَا اللَّهُ فَاسْتَقْبِمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَ عَلَى مِنْهَاجِ أَمْرِهِ وَ عَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ ثُمَّ لَا تَمُرُّوا مِنْهَا»

شما گفتید پروردگار ما الله است، اکنون بر سر این سخن پایمردی کنید، در راهی که فرمان داده استقامت کنید و از دایره‌ی فرمانش خارج نشوید».

حضرت امام راحل خطاب به بسیجیان در این مورد این گونه می‌فرمایند «در خاتمه به تمامی شما و خواهران و برادرانی که در محیط جنگ به زندگانی دلاورانه خود ادامه می‌دهید و از کشته شدن به دست دشمنان خدا در راه خدا ترسی ندارید و با چنگ و دندان از میهن عزیزتان برای رضای خدا دفاع می‌کنید و موجب دلگرمی رزمندگان اسلام می‌شوید و همه چیز خود را در طَبَقِ اخلاص قرار داده‌اید و با فدایی‌های مکرر صحنه‌های شجاعت و شهامت را در تاریخ سراسر مبارزات بی‌امانتان ثبت نموده و می‌نمایید و با درس فداکاری و

۱. نهج البلاغه (للصبحي صالح)، ص ۲۵۳





رشادت به مستضعفین جهان می‌آموزید که وعده خدا بر حکومت پابرهنگان جهان حق است، به شما که با مبارزات خویش روی ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها را سیاه کردید، درود می‌فرستم و در مقابل صبر و استقامتتان خاضع و خاشعم ... اگر بنبندند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتشان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هر گز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم»^۱

رهبر معظم انقلاب در رابطه با صفت استقامت این‌گونه می‌فرماید: «بنده بارها گفته‌ام، هر کاری که آمریکا و نظام سلطه‌ی همراه آمریکا، درباره‌ی ایران و علیه ایران و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی می‌توانستند انجام بدهند، انجام داده‌اند؛ هر کاری نکردند، چون نمی‌شده بکنند، یک دلایلی وجود داشته، به خاطر آن دلایل نمی‌شده انجام بدهند؛ هر کاری ممکن بوده انجام بدهند، انجام داده‌اند در دشمنی. و نتیجه این است که مشاهده می‌کنید؛ این درخت عظیم، این شجره‌ی طیبه، شجره‌ی طوبی، روزه‌روز اقتدار پیدا کرده؛ این بنای مستحکم، هر روز مستحکم‌تر از گذشته خودش را به رخ دشمن می‌کشد. آن‌وقت اینجا است که واژه‌ی مقاومت معنا پیدا می‌کند؛ اینکه ما می‌گوییم «نیروهای مقاومت، جریان مقاومت، جبهه‌ی مقاومت»، یعنی این؛ یعنی یک

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۴۴





حقیقتی به نام اسلام در دوران معاصر سر بلند کرده است که این حرکت عظیم اسلامی، صدسال پیش، پنجاه سال پیش نبود، امروز وجود دارد که گریبان نظام سلطه را محکم می‌گیرد و برای آزادی و عدالت اقدام می‌کند؛ این به وجود آمده؛ آن‌ها هر توانی که دارند، می‌خواهند در مقابل این به خرج بدهند که این را عقب برانند؛ اینجا است که «فَلِذَلِكَ فَادُعُ وَ اسْتَقِمُّ»؛ هم دعوت لازم است، هم استقامت لازم است؛ مقاومت یعنی این.^۱

۶. تابع ولایت

یکی از ویژگی‌هایی که یک بسیجی همواره باید آن را داشته باشد این است که همیشه خود را تابع ولایت بداند و بتواند همیشه از مسئول بالاتر خود تبعیت کند و همیشه خود را تبعیت کننده از دستورات ولی بداند یکی از شبهاتی که امروزه شاید مطرح باشد در مورد اطاعت از ولی این است که مگر می‌شود از شخص غیر معصوم هم مثل معصومین اطاعت کرد و پیروی کرد؟

در جواب این شبهه مقدمات این مطلب را می‌گوییم که در زمان خود امام عصر هم نائب‌هایی که حضرت داشتند مردم وظیفه داشتند از آن‌ها تبعیت محض کنند هیچ‌کدام معصوم نبودند و فقط از طرف امام معصوم نائب بودند و بقیه مردم هم وظیفه اطاعت داشتند همان‌طور که از خود امام زمان تبعیت

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۱، صفحه: ۴۵





می‌کردند در واقع دوران غیبت صغری دورانی بود که مردم باید تمرین ولایت‌پذیری را در درون خود بیشتر می‌کردند و سعی می‌کردند که آن را بیشتر کنند خداوند متعال در قرآن کریم در مورد این‌که مردم باید تابع ولایت باشند این‌گونه بیان می‌کند:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ اَي اهل ایمان! بر خدا و پیامبرش [در هیچ امری از امور دین و دنیا و آخرت] پیشی مگیرید»

از جمله شأن نزولی که برای این آیه آمده این است که: حضرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به هنگام حرکت به سوی «خیبر» می‌خواست کسی را به جای خود در «مدینه» نصب کند، عمر شخص دیگری را پیشنهاد کرد، آیه‌ی فوق نازل شد و دستور داد بر خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پیشی مگیرید. منظور از مقدم نداشتن چیزی در برابر خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، پیشی نگرفتن بر آن‌ها در کارها و ترک عجله و شتاب در مقابل خدا و حضرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است.

در برابر رهبر نباید در هیچ کار و هیچ سخن و برنامه‌ای پیشی گرفت و شتاب و عجله کرد. حتی نباید در مسائل بیش از اندازه‌ی لازم سؤال و گفتگو کرد، باید گذاشت که رهبر خودش به موقع مسائل را مطرح کند.





۷. آمادگی برای جهاد

مؤلفه دیگری که ماهیت تلاش و کوشش بسیجی را از دیگر تلاش‌ها و فعالیت‌های مشابه متمایز می‌سازد، آن است که تلاش بسیجی عملی جهادی است که برای مقابله با اقدامات دشمن و مهار ترفندهای آن صورت می‌گیرد. به‌واقع عمل بسیجی جهادی خالی از جهت و تلاشی بدون هدف نیست، بلکه مبارزه‌ای عملی برای مقابله با دشمن و دفاع از اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی است که در این باره همه باید تلاش خود را مضاعف کنند تا به آن اهداف عالی دست پیدا کنند.

خداوند متعال در مورد آمادگی برای جهاد این‌گونه می‌فرماید:

«الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»

همان کسانی که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گردآمده‌اند، از آنان بترسید. ولی [این تهدید] بر ایمانشان افزود، و گفتند: خدا ما را بس است، و او نیکو وکیل و [نیکو کارگزاری] است.





در موردشان نزول این آیه این‌گونه آمده است: این شهر آشوب از قول فلکی مفسر او از کلینی و او نیز از ابن عباس و نیز از ابو رافع نقل کرده که این آیات درباره امام مرتضی علیه السلام نازل شده که روز دوم غزوه احد در میان مسلمین ندا در داد و او را اجابت کردند در حالتی که پرچم مهاجرین را در دست داشت با هفتاد نفر به حمراء الاسد که بازاری در سه میلی مدینه بود برای ترسانیدن دشمنان رهسپار گردیده سپس به مدینه مراجعت کرده بود.^۱

و این حرکت و فضیلت در کلام امام راحل این‌گونه آمده است:

«ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فداکاری است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید. «جَهِّزُوا أَنْفُسَكُمْ بِالصَّلَاحِ وَ السَّلَاحِ».

نهراسید. که نمی‌هراسید، کمربندهایتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار پیا خیزید. قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگوئید. امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و امریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۱۲



لشکر خدا

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک



انسانیتِ انسان‌هاست. روز جنگ است. روز احقاق حق است. و حق را باید گرفت. و انتظار آنکه جهان خواران ما را یاری کنند بی حاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خداست. روز جشن و سرور عارفان الهی است. امروز روز نغمه‌سرایایی فرشتگان در ستایش انسان‌های مجاهد ماست.»^۱

مقام معظم رهبری در مورد هوشیاری بسیج و حرکت جهادی بسیج این‌گونه فرموده‌اند «بسیج، در سرتاسر کشور هوشیار باشد. همه‌ی نیروهای مسلح ارتش، سپاه و نیروهای انتظامی باید هوشیار باشند. همه باید هوشیار باشند؛ اما بسیج، احتیاج به هوشیاری مضاعف دارد. آحاد بسیج در هر جا هستند در شهر، در ده، در عشایر، در دانشگاه، در حوزه‌ی علمیه، در دبیرستان، در بازار، در اداره، در کارخانه باید هوشیار باشند. دشمن، برای ضربه زدن به انقلاب و اسلام، از یکراه نمی‌آید؛ از راه‌های مختلف می‌آید. باید چشمتان را باز کنید، متوجه باشید و دشمن را بشناسید. امام بزرگوار، این خطوط را برای ما درست مشخص کردند.»^۲

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۱

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۲، صفحه: ۷۱





۸. اهل بصیرت

یکی دیگر از شاخصه‌های مهم بسیج این است که اهل بصیرت می‌باشد یعنی زمانی که متوجه بشود اسلام و نظام اسلامی در خطر هست خود را در آنجا عرضه می‌کنند و روشنگری می‌کنند و عمار گونه می‌باشد که دائماً از کیان اسلام حفظ و نگاه‌داری می‌کند و آرام نمی‌نشیند تا دشمن وارد خیمه بشود و بعد از آن شروع کند به مبارزه بلکه قبل از آن که دشمن بخواهد نزدیک مرزها بشود با بصیرت و زنگ خطری که دارد حمله‌های دشمن را بی‌اثر می‌کند و در داخل کشور همه مردم را واکسینه می‌کند.

قرآن کریم درباره بصیرت و بصیرت افزایی این گونه می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ^۱ بی‌تردید برای شما از سوی پروردگارتان دلایلی روشن آمده»

در سیر تاریخی وقتی بررسی انجام می‌دهیم به این نکته برمی‌خوریم که بیشترین شکستی که مسلمانان خورده‌اند از بی‌بصیرتی و بی‌توجهی آنان به مسائل گوناگون بوده است و متأسفانه تا امروز هم ادامه دارد و مردم بیشترین ضربه‌ای که از دشمنان می‌خورند از ناحیه بی‌بصیرتی می‌باشد. در صدر اسلام وقتی که عبدالله بن سعد بن ابی سرح توهینی را انجام می‌دهد و پیامبر دستور می‌دهد که او را هرکجا دیدند بکشند ولو این که به پرده کعبه هم آویزان باشد در

۱. انعام: ۱۰۴





یک‌زمانی عثمان خلیفه سوم به دلیل که با ایشان برادر رضاعی بوده است این فرد را می‌آورد درحالی‌که اصحاب در اطراف پیامبر بودند و عثمان از رسول خدا می‌خواهد که او را ببخشد رسول خدا لحظاتی را سکوت می‌کنند ولی عثمان دوباره درخواست خود را اعلام می‌کند و در اینجا پیامبر او را عفو می‌کند بعداً وقتی از رسول خدا سؤال می‌پرسند که چرا شما با این‌که دستور قتل را داده بودید خودتان عفو کردید پیامبر فرمودند من سکوت کردم تا فردی از شما این عبدالله بن سعد را بکشد ولی هیچ‌کدام از شما اقدام به این کار نکردید^۱ این سخنان نشان می‌دهد که در صدر اسلام افراد چه مقدار بصیرت پایینی داشته‌اند که این‌گونه با پیامبر سخن می‌گفته‌اند و ایشان را متهم می‌کردند که از رأی خود برگشته‌اند و از این موارد متأسفانه در جامعه امروزی ما هم زیاد است که به خاطر بی‌بصیرتی سخنانی را بر ولی‌فقیه بار می‌کنند و یا این‌که می‌گویند که چرا در فلان زمان این‌طوری تصمیم‌گیری کرده است که تمام این سخنان از روی بی‌بصیرتی می‌باشد.

امام امت در سلسله درس‌های خود در حوزه نجف در موضوع ولایت‌فقیه به نخبگان و روحانیون توصیه می‌کردند تنها وظیفه شما آگاه کردن توده‌های مردم از شرایط سیاسی - اجتماعی خود و توطئه‌های دشمنان قسم‌خورده ملت می‌باشد. در آن صورت ملت باید به آن حد از آگاهی رسیده که برای احقاق حق

۱. تاریخ پیامبر اسلام، ص ۵۶۲





خود قیام نماید و بساط ظلم را برچیند و همین امر بود که باعث شد ملت یکپارچه و با بصیرت کامل و تحت زعامت رهبری دایمانه امام امت و با دست خالی بر رژیم شاه پیروز گردید و ساختار قدرتمند آن را از قاعده هرم سست و یکباره آن را واژگون نمود و به جای آن نظام مقدس جمهوری اسلامی را تأسیس کرده و تا به امروز هم بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان که هریک از این توطئه‌ها می‌توانست نظامی مستقر و مستحکم را نابود بکند غلبه کرده است.

رهبر معظم انقلاب بارها در سخنان خود مردم را به یک اصل دعوت کرده و از همه مردم خواسته‌اند که این مطلب را در خود بالا ببرند و آن‌هم بصیرت می‌باشد ایشان این‌گونه می‌فرمایند «توصیه‌ی دوّم بصیرت، بصیرت. این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) را من بارها در سخنرانی‌ها گفتم:

الا... وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمُ إِلَّا أَهْلَ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ. اَوَّلُ أَهْلِ بَصَرٍ، کسانی که دید درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را می‌فهمند. بصیرت را روزبه‌روز باید زیاد کرد، صحنه‌ی داخلی را بشناسیم، بدانیم الآن در داخل چه دارد، می‌گذرد، کجاها است که انسان گاهی حضور دشمن را احساس می‌کند، کجاها است که می‌تواند انسان در آنجا با خاطر جمع، با دل آرام حرکت بکند. بصیرت؛ جایگاه خودمان را در دنیا بشناسیم؛ ما کجاییم امروز؟

عده‌ای همه‌ی تلاششان این است که خودی را، خود را تحقیر کنند، ملت را تحقیر کنند؛ آقا ما چیزی نیستیم! این را به زبان گوناگون بیان می‌کنند،





برمی دارند مفصلاً از فلان کشور یا مردم فلان کشور یا رفتارهای فلان کشور تعریف و تمجید و مانند این‌ها می‌کنند، که اغلب هم خلاف واقع است، اغلب هم مثل این فیلم‌های سینمایی [است].^۱

۹. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی، مؤلفه برجسته دیگری در نگرش بسیجی است. بسیجی از آنجاکه جهان‌بینی خود را مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) شکل داده است، به دشمن و ترفندهای او بیش از دیگران حساس است. بسیجی کسی است که با چشمانی باز و هوشیاری تمام از دشمن غفلت نورزیده و خشم و کینه انقلابی خود را برای مقابله با آن در سینه نگاه داشته است. و همین رویکرد دشمن‌شناسانه بسیجیان است که بسیج را به خاری در چشم دشمن بدل ساخته است. و تا امروز هم کسی نتوانسته است که در مقابل این نیروی انسانی قد علم کند. شاید یکی از مهم‌ترین کارهایی که امروزه بسیج باید آن را انجام بدهد این باشد که در مرحله اول دشمن‌شناس باشد تا بتواند در مقابل دشمنان به مجاهدت دست بزند متأسفانه در این ایام خیلی از افراد از این مطلب غافل شده‌اند که دشمن دارند و اصلاً دشمن را فراموش کرده‌اند امیرالمؤمنین در این باره می‌فرماید «الإمامُ علی علیه السلام: مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَايِدُ.»^۲ امام علی

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۷، صفحه: ۲۷۸

۲. غرر الحکم، ح ۸۷۲۲





علیه السلام: هرکه از دشمن خود غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود آورد.» با این بیان نباید هیچ‌وقت از دشمن خود غافل باشیم و همیشه باید توجه به دشمن داشته باشیم و همه حرکت‌های خودمان را در مقابله با دشمن قرار دهیم.

رهبر انقلاب درباره دشمن‌شناسی می‌فرماید: «این انقلاب يك خیز بلندی بود که ملت ایران برداشت برای اینکه خود را از ذلت و وابستگی و عقب‌ماندگی نجات بدهد. این انقلاب يك حرکت عظیمی بود برای اینکه وابستگی و عقب‌ماندگی را - این دو ذلت بزرگ را - به برکت اسلام و با راهنمایی و رهبری اسلام، از این ملت بزدايد؛ دو درد طولانی مزمن بود، این‌ها را علاج بدهد؛ انقلاب برای این به وجود آمد و نظام جمهوری اسلامی براین اساس تشکیل شد. خوب، درست توجه کنید، وقتی که يك حرکتی برای این مقصود به وجود آمده است که وابستگی را و عقب‌ماندگی را از این ملت بزدايد - و موفق هم شده است، پیشرفت هم کرده است - آن کسانی که عقب‌ماندگی و وابستگی به نفع آن‌ها بود، در مقابل این حرکت، این انقلاب، و این نظام می‌ایستند؛ این طبیعی است. این [طور] نیست که ما دشمن درست می‌کنیم؛ بعضی‌ها تکیه‌کلامشان این است که آقا دائم دشمن نتراشید! دشمن را حرکت ملت می‌تراشد. فرض کنید يك قلدری آمده است خانه‌ی شما را، دکان شما را، محل استراحت شما را، زندگی شما را غصب کرده است؛ وقتی شما آمدید او را بیرون کردید، خوب شما حقتان را انجام داده‌اید، حقتان را گرفته‌اید، اما او با شما





دشمنی می‌کند. تا وقتی که امید داشته باشد که بتواند بر شما غلبه پیدا کند، به شما ضربه می‌زند. ما با کسی دشمنی جدیدی ایجاد نکرده‌ایم؛ این‌ها دشمنی می‌کنند. آن کسانی که از وابستگی ایران به خودشان بهره می‌برند، امروز با ما دشمن‌اند؛ دشمن خونی! آن کسانی که از عقب‌ماندگی ملت ایران منتفع می‌شدند، امروز با ما دشمن‌اند؛ دشمن خونی، دشمن آشتی‌ناپذیر. البته این دشمنی ممکن است تا قیامت طول نکشد، «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً»؛ ممکن است یک وقتی اتفاق بیفتد در آینده - صدسال دیگر، پنجاه سال دیگر، نمی‌دانیم - که این دشمنی از بین برود؛ اما شرط از بین رفتن دشمنی چیست؟ اینکه او ناامید بشود یا اصلاح بشود؛ که حالا این [اصلاح شدن] بعید است، اصلاح شدن ابرقدرت‌ها بعید است. خب پس این دشمنی هست. آن درسی که ما باید بگیریم که بهنگام عمل بکنیم، آن مبنی بر این است که دشمن را بشناسیم، سمت و سوی کار دشمن را بدانیم، آن قدر بصیرت پیدا کنیم که هر حرکتی که دشمن انجام می‌دهد، بفهمیم که هدفش چیست. اگر متوجه ما و متعرض به ما است، علاج کنیم آن را بایستیم، مقاومت کنیم؛ این وظیفه‌ی ما است.»^۱

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۵۱



شاخصه های بسیج

در نهج البلاغه





شاید در تاریخ زندگانی ائمه هیچ کدام به اندازه امیرالمؤمنین یاران خود را به جهاد تشویق نمی کردند و در هیچ زمانی یاران و همراهان امامان این مقدار با کلمه جهاد در راه خدا آشنا نبوده اند و لذا به همین خاطر می توان کلمات امیرالمؤمنین را در نهج البلاغه بررسی کرد تا با بسیج و شاخصه های بسیجی و لزوم تشکیل بسیج آشنا شد.

بهترین و بزرگترین الگو برای بسیجیان در همه عالم، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است

۱. عاشق جهاد و شهادت

حضرت در نهج البلاغه یاران دیرین خود را این گونه خطاب می کنند «وَهَيِّجُوا إِلَى الْجِهَادِ فَوَلُّوهُا وَلَةَ اللَّقَاحِ إِلَى أَوْلَادِهَا» به جهاد برانگیخته شدند و چنان شتری که [با هیجان و شتاب] به سوی بچه خودروی می آورد شیفته جهاد گردیدند»

حضرت در اینجا به عنوان یکی از ویژگی بسیجیان می فرماید که آن ها عاشق جهاد و شهادت هستند و شیفته این جهاد و شهادت هستند و برای جهاد و شهادت خود را آماده می کنند و طبیعتاً کسانی که خود را عاشق جهاد و شهادت می دانند باید ملزمت این کار را هم فراهم کنند تا بتوانند به آن برسند رهبر

۱. نهج البلاغه (للصبحي صالح)، ص ۱۷۷





انقلاب در بیاناتی رسیدن به این قله را تبیین کرده‌اند و این‌گونه فرموده‌اند: یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد که آن نکته باید مورد توجه همه‌ی ما باشد و آن، این است که شهادت قله است و قله بدون دامنه معنا ندارد. هر قله‌ای یک دامنه‌ای دارد؛ بسیاری از ماها آرزوی رسیدن به آن قله را داریم؛ [خب،] باید از دامنه عبور کنیم، بایستی مسیر را در دامنه‌ی آن قله پیدا کنیم و از آن مسیر برویم تا به قله برسیم و آلا رسیدن به قله بدون عبور از دامنه ممکن نیست. این دامنه و این مسیر چیست؟ اخلاص است، ایثار است، صدق است، معنویت است، مجاهدت است، گذشت است، توجه به خدا است، کار برای مردم است، تلاش برای عدالت است، تلاش برای استقرار حاکمیت دین است؛ این‌ها است که مسیر را معین می‌کند و اگر شما از این مسیر رفتید، ممکن است به قله برسید. آن‌کسی که به قله می‌رسد، از اینجا باید برود و از این مسیرها حرکت کند. معنویت را نباید فراموش کرد.

من یک جایی خواندم که شهید شهریاری یک شب تا دیروقت روی یک مسئله‌ی علمی پیچیده‌ای کار می‌کرد و نتوانست آن را حل کند. شاگرد او نقل می‌کند - این را در آن کتاب نوشته بود- که شهید مبالغ زیادی کار کرد، بعد که نتوانست این مسئله را حل کند، گفت برویم مسجد دانشگاه - گمانم دانشگاه شهید بهشتی - رفتیم داخل مسجد، دو رکعت نماز خواند با حال، با توجه، بعد از نماز گفت فهمیدم، راه حل را خدای متعال به من نشان داد؛ بلند شد آمد و





مسئله را حل کرد. معنویت این است؛ راه خدا این جور است. وقتی انسان این حرکت را کرد، این مسیر را پیش رفت، آن وقت رسیدن به قلّه ممکن می‌شود، آسان می‌شود؛ نمی‌گوییم حتمی می‌شود اما ممکن می‌شود. بدون حرکت در این مسیر، رسیدن به قلّه امکان‌پذیر نیست.^۱

۲. حافظان قرآن

«أَوْهَ عَلَىٰ إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ وَتَدَبَّرُوا الْقُرْصَ فَأَقَامُوهُ آهَ بِرَآنِ بَرَادِرَانِمِ كَهَ قَرَّآنِ رَا تَلَاوْتِ كَرَدَهَ آنِ رَا اسْتَوَارَ دَاسْتَنَدَ»^۲

حضرت در این قسمت از نهج البلاغه یاد یاران خودش می‌کند که بسیجی وار در میدان‌ها حضور داشتند و یکی از صفتهای خوب آنان را این می‌داند که آن‌ها همیشه با قرآن مانوس بودند و به قرآن عمل می‌کردند. در تاریخ در دو جا آمده است که در جنگ زیاد قرآن می‌خواندند یکی از اصحاب جمل بودند که در تاریخ آمده است که «فَإِذَا لَهُمْ دَوِي كَدَوِي النَّحْلِ فِي قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»^۳ که متأسفانه قرآن خواندن این قسم برای آن‌ها فایده‌ای نداشت و مصداق این روایت پیامبر خدا می‌شوند که فرمودند «وَقَالَ رَبُّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ»^۴ چه بسا

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان زنجان ۲۴/۰۷/۱۴۰۰

۲. نهج البلاغه (للصبيحي صالح)، ص ۲۶۴

۳. بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۳۳، ص ۳۸۶

۴. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸۹، ص ۱۸۴





افرادی که قرآن می‌خوانند و قرآن آن‌ها را لعنت می‌کند» این افراد جزو کسانی هستند که عمل در قرآن ندارند و همیشه از قرآن به‌عنوان ابزار استفاده می‌کنند در حالی که در تاریخ یکی عده دیگر بودند که آن‌ها هم قرآن می‌خواندند و اهل عمل به قرآن هم بودند و از آن استفاده می‌کردند آن‌ها اصحاب سیدالشهدا بودند که در شب عاشورا قرآن را تلاوت می‌کردند «وَلَهُمْ دَوِي كَدَوِي النَّحْلِ» زمزمه‌ای مانند صدای کندوی زنبور پیچیده بود» البته این دسته جزو کسانی بودند که با قرآن همیشه مأنوس بودند و مثل یاران امیرالمؤمنین که هم انس داشتند و هم تدبر در قرآن داشتند و به آن عمل می‌کردند.

رهبر معظم انقلاب در مورد تدبر در قرآن این‌گونه می‌فرماید: به حمدالله گل‌های قرآنی از سرتاسر این بوستان بزرگی که اسمش ایران است، دارد یکی یکی می‌شکفتد و خودش را نشان می‌دهد. بذر مبارك قرآن در این سرزمین پاشیده شده. این هنر انقلاب است، این هنر نظام اسلامی است. در گذشته این جور نبود؛ در دوره‌ی کودکی ما و جوانی ما، قرآن به معنای واقعی کلمه در این کشور مهجور بود؛ گوشه‌کنار کسانی بودند که عاشقانه و مجدانه دنبال فراگیری قرآن یا تعلیم قرآن یا انس با قرآن بودند، لکن فضای عمومی بکلی [با قرآن] بیگانه بود؛ این خبرها نبود. امروز به حمدالله فضای عمومی کشور با قرآن آشنا است؛ شما می‌بینید جوان‌ها، نوجوان‌ها، کودکان، در سنین مختلف، از

۱. اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهری، النص، ص ۹۴





نقاط مختلف کشور، با قرآن انس دارند، با قرآن سروکار دارند؛ تلاوت می کنند، تأمل می کنند، تدبّر می کنند.

پیشرفت تلاوت قرآن هم در کشور خیلی خوب بوده است. خب از اوّل انقلاب، ما شاهد تلاوت های خوب قرائمان هستیم؛ پیشرفت ها را انسان به طور محسوسی مشاهده می کند. آرزوهایی که داشتیم برای اینکه تالیان قرآن و قاریان قرآن که این کارها را انجام بدهند، این جوری بخوانند، این جوری تدبّر کنند، این جوری بفهمند آیه را، این جوری القا کنند آیه را - این ها آرزوهایی بود که همیشه داشتیم - به حمد الله یکی یکی این آرزوها دارد برآورده می شود؛ اساتید خوب، خوانندگان خوب، جوانان خوب، نوجوانان خوب؛ خدا را شکر؛ ولی این اوّل کار است. عقب ماندگی ما در زمینه ی انس با قرآن و بهره مندی از قرآن خیلی زیاد است. این ها قدم های اوّلی است که باید انجام بگیرد. بنده بارها گفته ام، باز هم تکرار می کنم که این جلسات و این نشست ها و این توصیه کردن ها و این کارهایی که انجام می گیرد، همه مقدمه است برای اینکه فضای کشور و ذهنیت عمومی مردم ما، فضای قرآنی بشود و ذهنیت، با قرآن انس بگیرد و [مردم] با مفاهیم قرآنی انس بگیرند؛ مهم این است.

اگر با قرآن انس گرفتیم، آن وقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از قشرهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبّر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سوالات گوناگون جواب بدهند





منظورم از سؤالات، شبهه‌ها نیست؛ منظور سؤالاتِ درباره‌ی زندگی است، زندگی کردن. الآن میلیون‌ها سؤال در مقابل ما است. وقتی که يك جامعه‌ای با يك حکومتی، زندگی را به سمت آرمان‌هایی دارد حرکت می‌دهد و حرکت می‌کند، این [جامعه] با هزاران هزار سؤال مواجه است؛ در نوع ارتباطات، در نوع رفتار، در نوع موضع‌گیری‌ها، در نوع دشمنی و دوستی‌ها، در نوع برخورد با مال، در نوع برخورد با امور دنیا؛ این‌ها همه سؤالاتی است که مطرح است؛ همه‌ی این سؤال‌ها جواب دارد. بشریت گمراه و بدبخت شد، به خاطر اینکه جواب‌های درست این سؤال‌ها را پیدا نکرد.^۱

۳. اهل روزه‌داری

یکی دیگر از شاخصه‌هایی که امیرالمؤمنین در بیانات خود برای یک بسیجی نام می‌برد این است که بسیجی اهل روزه است و شکم‌های آن‌ها به پشتشان چسبیده است «حُمَصُ الْبُطُونِ مِنَ الصِّيَامِ»^۲ از روزه‌داری فراوان، شکم‌هایشان لاغر و به پشت چسبیده بود.» این بیان شاید کنایه از این مطلب باشد که فرد بسیجی زیاد اهل ریخت‌وپاش نیستند و مواظبت دارند بر لقمه‌هایی که می‌خورند در آیات و روایات اسلامی با مضمون‌هایی از این موارد زیاد

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۹، صفحه: ۱۵.

۲. نهج البلاغه (للصبحي صالح)، ص ۱۷۸





برخورد داریم که خداوند و اهل بیت نسبت به لقمه هشار داده‌اند که مراقبت ویژه‌ای داشته باشیم خداوند در قرآن می‌فرماید

«يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ^۱ ای پیامبران! از خوردنی‌های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید؛ مسلماً من به آنچه انجام می‌دهید، دانایم.»

در این آیه خداوند صراحتاً اعلام می‌دارد که خوردنی‌ها باید پاکیزه باشد و به‌دوراز محرّمات و نجاسات باشد و این‌که خداوند اشاره دارد به عمل صالح و این مطلب را بعد از خوردن پاکی‌ها قرار داده است شاید دلیل بر این باشد که خوردن پاکی‌ها بر عمل صالح تأثیر خاص دارد به این بیان که کسی می‌تواند عمل صالح انجام بدهد که غذای پاک خورده باشد و این غذا در شاکله انسان تأثیر مستقیم دارد به این بیان که اگر غذای ناپاک خوردیم آن‌قدر پست و پلید خواهیم شد که در مقابل امام خود هم می‌ایستیم و در دعا داریم از ناحیه امام زمان که ایشان این‌گونه بیان می‌کنند که «طَهَّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ؛ و درون ما را از حرام و مال شبهه‌ناک پاکیزه گردان» و در مقابل بودند کسانی که به خاطر همین لقمه‌های حرام در مقابل امام خود ایستادند مثل کربلا که امام در زمانی که دیدند مردم سخنان را نمی‌شنوند این جمله را فرمودند «فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنْ

۱. مومنون: ۵۱





الْحَرَامَ وَ طَبِعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ^۱ شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر [غفلت] خورده است» امام حسین هم در این جمله اشاره دارند به یک حقیقت که چون غذای حرام را در شکم‌های خود پر کرده‌اید بر دل‌های خود مهر زده‌اید و سخنان امام را نمی‌شنوید و این فقط به خاطر تأثیر غذای حرام می‌باشد.

۴. انس با دعا و سحرخیز

یکی دیگر از صفاتی که امیرالمؤمنین برای بسیجیان نام می‌برند که اهل بسیج و شیعیان زمان خودشان این ویژگی را داشتند این است «بُلُّ الشَّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ، صُفْرُ الْأَلْوَانِ مِنَ السَّهْرِ^۲ لب‌هایشان از فراوانی دعا خشک، و رنگ صورتشان از شب‌زنده‌داری‌ها زرد بود» آن‌ها اهل نماز شب و بودند و با دعا و ذکر خداوند انس داشتند. کسانی که می‌خواهند در مقابل دشمنان قسم‌خورده بجنگند چاره‌ای ندارند جز این‌که ارتباط خودشان را با خداوند متعال بیشتر کنند و هر مقدار که این ارتباط با خداوند بیشتر و قوی‌تر باشد بیشتر می‌توانند در مقابل دشمنان قد علم کنند شهید حجت‌الاسلام والمسلمین میثمی نماینده حضرت امام در جنگ این جمله را فرمودند که «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست توان ما به میزان اتصال ما به خداست» این نکته را باید باور داشت که در صحنه نمی‌توان بدون تکیه و یاد خدا پیروز باشیم و اگر اتکا ما به

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۵، ص ۸

۲. نهج البلاغة (للصّبحي صالح)، ص ۱۷۸





خداوند زیاد باشد خداوند به جای ما عمل خواهد کرد زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ» هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد» انسان اگر با اعتقاد صحیح و در مسیر حق حرکت کند و به فرمان الهی تلاش و کوشش کند، امدادهای خداوند را در پی خود دارد و برای این که این امداد را بیشتر کند باید رابطه خود را با خدا بیشتر و بهتر کنیم و بهترین فرصت برای این کار در شب می‌باشد که انسان می‌تواند رابطه خود را با خدا قوی‌تر کند یکی از شهدا که سن کمی هم داشت به نام شهید مهدی صاحب‌الزمانی بود که فرمانده ایشان تعریف می‌کرد که یک‌شب به من گفت که فرمانده اگر ممکن است من را نیم ساعت مانده به اذان صبح بیدار کن می‌خواهم قرص‌هایم را بخورم فرمانده می‌گفت که او را بیدار کردم و از سنگر بیرون رفت و تا چند دقیقه برنگشت کم‌کم نگران او شدم و از سنگر بیرون رفتم به دنبال او در یک گوشه از بیابان مهدی را پیدا کردم که مشغول به راز و نیاز با خداست وقتی که کار او تمام شد به او گفتم چرا وقتی می‌خواهی نماز شب بخوانی به‌دروغ می‌گوئی که می‌خواهم قرص‌هایم را بخورم بگو برای نماز شب بیدارت کنم این شهید بزرگوار در جواب فرمانده گفت که باور کنید من بیمار هستم چشم من بیمار هست که هنوز نتوانسته‌ام امام زمان خود را ببینم قلب من بیمار است که یاد غیر خدا می‌کند. خداوند در حدیث





قدسی به حضرت موسی بن عمران این گونه می فرماید «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمَرَ قَالَ سَمِعْتُ مَوْلَايَ الصَّادِقَ ع يَقُولُ كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ ع أَنْ قَالَ لَهُ يَا ابْنَ عِمْرَانَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي أ لَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يَحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ هَا»^۱ مفضل بن عمر گوید از مولایم امام صادق (ع) شنیدم می فرمود در ضمن مناجات خدا با موسی بن عمران این بود که به او فرمود ای پسر عمران دروغ گوید کسی که گمان برد مرا دوست دارد و چون شبش فروگیرد بخوابد و یاد من نکند مگر نیست که هر دوستی خلوت با دوست را می خواهد.

این حدیث به صراحت این مطلب را بیان می کند که اگر بخواهیم رابطه ما با خدا بیشتر بشود باید در دل شب با خدا باشیم و ارتباط خودمان را با خدا بیشتر کنیم.

۵. عمل به وظیفه

یکی دیگر از شاخصه‌هایی که امیرالمؤمنین برای یک فرد بسیجی می‌شمارند این است که آن‌ها عمل‌کننده به وظیفه هستند «وَتَذَكَّرُوا الْفُرْصَ فَأَقَامُوهُ»^۲ «در واجبات الهی اندیشه کردند و آن‌ها را برپا داشتند»

۱. الأُمالي (للصديق)، النص، ص ۳۵۶

۲. نهج البلاغة (للصبيح صالح)، ص ۲۶۴





این که هر شخصی بداند الآن در حال حاضر تکلیف او چیست و تکالیف را به خوبی انجام دهد از بهترین موارد می باشد گاهی اوقات آن قدر ما تکالیف را نمی شناسیم و به آن ها عمل نمی کنیم که دیگران برای ما تکلیف را مشخص می کنند یک فرد بسیجی بنا بر سخنان حضرت آقا باید آتش به اختیار باشد و بتواند در میدان عمل کارهای خود را پیش ببرد ایشان در خطاب به دانشجویان این گونه فرمودند «تلاش جدی و همه جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه. نگویند در دانشگاه دیگر نمی شود کاری کرد؛ شنفتم این را که بعضی ها میگویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمی شود کاری کرد.»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی می شود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما؛ شما تشکلهای هستید که در دانشگاه باید کار بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه ی آن هسته های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً میگویم: هر کدام کارکنید؛ مستقل و به قول میدان جنگ، آتش به اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور می دهد، اما اگر چنانچه رابطه ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش به اختیار می دهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس می کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی تواند درست مدیریت کند،





آنجا آتش به اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.»^۱

یک فرد بسیجی هیچ وقت نمی تواند بنشیند که ببیند دیگران از آن طرف آب چه چیزی را برای او دیکته می کنند تا او هم همان را اجرا کند بلکه خودش در میدان است و با توجه به نیاز خودش و جامعه برنامه ریزی می کند و برنامه ها را با توجه به نیاز جامعه پیش می برد و خود او پیشران برای برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی می شود. در تاریخ وقتی نگاه می کنیم همه انمه مامور بوده اند به انجام وظیفه خود مثلاً در زمان امیرالمؤمنین وظیفه ایشان این بود که خانه نشینی را قبول کنند و ایشان هم قبول کردند و یا این که وظیفه امام حسین این بود که بیایند در کربلا و آن قیام را انجام بدهند و هیچ کدام از این ها منتظر نبودند که تکلیف را به آن ها حمل کنند بلکه خودشان تکلیف را مشخص می کردند و به آن عمل می کردند.

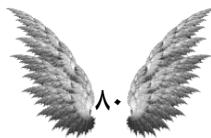
در سیره شهدا دفاع مقدس هم همین امر به وفور مشاهده می شود «حسن عماد الاسلامی - برادر خانم محمود - از نیروهای اطلاعات - عملیات و از بچه های زبده ی گشتی - شناسایی بود که همیشه و همه جا کنار محمود بود. در همین اوضاع و احوال، کاری ضروری برای حسن پیش آمده بود که باید سریع به

۱. خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۹، صفحه: ۱۷





مشهد برمی گشت. فرمانده واحد، دادن مرخصی به او را به موافقت کاوه موکول کرده بود. وارد اتاق محمود شدیم. حسن مرا هم با خودش برده بود تا اگر جواب رد شنید، واسطه اش باشم. محمود، سرگرم خواندن نامه های اداری بود. بعد از احوال پرسی رو به حسن کرد و گفت: «حسن آقا! چه خبر؟» حسن که انگار منتظر این سؤال بود، زود گفت: «راستش از مشهد زنگ زدند که خودم را سریع برسانم مشهد.» و پس از مکث کوتاهی ادامه داد: «اجازه بدهید دو - سه روزی بروم مرخصی و زود برگردم.» محمود با تعجب به حسن خیره شده بود، گفت: «تو می دانی عملیات نزدیکه و مرخصی نباید بروی.» حسن، که خودش هم خجالت می کشید در چنین موقعیتی به مرخصی برود، سرش را پایین انداخت و گفت: «کار مهمیه، حتماً باید بروم.» محمود، دوباره مشغول خواندن نامه ها و گزارش هایی شد که روی میزش بود. حسن گفت: «پس شما اجازه می دهید بروم؟» محمود، سرش را بلند کرد، نگاه معناداری به حسن کرد و گفت: «اجازه نمی دهم. بهتره بروی سر مأموریت.» می شد حدس زد که جواب آخر محمود چیست، اما حسن همان طور ایستاده بود و فکر می کرد که چه بگوید تا موافقت او را جلب کند. چیزی نگذشت که حسن، دوباره درخواست خودش را تکرار کرد. محمود، نگاه تندی به او انداخت و با ناراحتی گفت: «گفتمم برگرد سر واحد!» حسن که انتظار برخوردی را نداشت، دیگر ساکت شد. بعد نگاه ملتسانه ای به من کرد و از اتاق بیرون رفت. می خواست من چیزی بگویم. به محمود گفتم: «آقا محمود! کارش واقعاً مهمه، اجازه می دادی می رفت و زود





بر می گشت.» محمود گفت: «توی پادگان، خیلی ها می دانند که حسن برادر خانم من است.» گفتم: «این که دلیل نمی شود که چون حسن برادر خانم فرمانده تیپ است، مرخصی اضطراری نره.» گفت: «چند روز دیگر عملیاته، اگر رفت و کارش طول کشید و به عملیات نرسید، ممکن است توی ذهن بعضی ها بیاید که کاوه موقع عملیات، برادر خانمش را فرستاده مرخصی تا سالم بماند.» می دانستم که حسن هم مثل بقیه ی پاسدارها، مرد عملیات است و کسی نیست که از زیر کار شانه خالی کند. در عملیات همیشه کنار محمود بود و منتظر بود تا محمود از او چیزی بخواهد و او انجام دهد. خواستم یک جوری راضی اش کنم تا اجازه بدهد که حسن برود و زود برگردد. برای همین گفتم: «خودم ضمانتش را می کنم که به عملیات برسد.» محمود با ناراحتی گفت: «من با کسی عقد اخوت نیستم، دوست ندارم که اعتقاداتم به خاطر همچین کارهایی دچار لغزش بشود.» تصمیمش قاطع و جدی بود. با این حرفش، هم تکلیف حسن را روشن کرد و هم تکلیف مرا که بعد از این نسبت به خیلی از جزئیات، دقت بیشتری بکنم.»^۱

۱. حماسه ی کاوه، ص ۲۴۵





۶. زنده نگه داشتن یاد شهیدان

یکی دیگر از صفاتی که امیرالمؤمنین برای یک بسیجی نام می برد که باید دارای این صفت باشد زنده نگه داشتن نام و یاد شهیدان می باشد کما این که ایشان خودشان همیشه یاد شهیدان را زنده نکته می داشتند و می فرمودند: «أُولَئِكَ إِخْوَانِي الذَّاهِبُونَ فَحَقٌّ لَنَا أَنْ نُظَمَّأَ إِلَيْهِمْ وَ نَعَضَّ الْأَيْدِي عَلَى فِرَاقِهِمْ» «آنان برادران من هستند که رفته اند، و بر ماست که تشنه ملاقاتشان باشیم و از اندوه فراقشان دست ها را به دندان بگزیم».

قرآن در مورد شهدا آیات زیادی را نازل کرده است که در یک نمونه خداوند به کسانی که فکر می کنند شهدا مرده هستند و احتیاجی نیست که از نام و یاد آن ها سخن گفت این گونه می فرماید «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۱ و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

خداوند در اینجا به صراحت می فرماید که هرگز گمان نبرید و ظاهراً این هست که برخی از افراد این پندار را داشته اند که شهدا مرده اند و خداوند در اینجا می فرماید از این پندار غلط و اشتباه خودتان دست بردارید شهدا زنده

۱. هج البلاغة (للصبيحي صالح)، ص ۱۷۸

۲. آل عمران: ۱۶۹





هستند و در نزد خداوند روزی می‌خورند و هر گز نمرده‌اند و یاد آن‌ها را زنده نگه دارید مقام معظم رهبری در جملاتی زنده نگه داشتن یاد شهدا را این‌گونه بیان می‌کنند

«یاد شهیدان، نام شهیدان، بازماندگان شهیدان، شخصیت دارای ارزش و متعالی جانبازان و آزادگان، در هر نقطه‌ای که حضور داشته باشند، نور، رحمت و هدایت هست.... مسئله‌ی شهید و ایثارگری، کهنه شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است؛ بعضی‌ها از این نکته غفلت می‌کنند. این‌که می‌بینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت می‌اندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آن‌هاست؛ نمی‌فهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثارگران چقدر برای یک جامعه و ملت و کشور دارای اهمیت است. شما ببینید خون مطهر حسین بن علی (علیه‌السلام) در کربلا در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگ‌ترین مسئولیتی که بر عهده‌ی امام سجاد (علیه‌الصلاة و السلام) و زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) قرار گرفت، از همان لحظه‌ی اول این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را، به شکل‌های گوناگون، منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و دین حسین بن علی و آن هدفی که امام حسین برای آن شهید شد، یک امر ضروری و لازم بود. البته اجر الهی برای امام حسین محفوظ بود؛ می‌توانستند او را در بوته‌ی سکوت بگذارند؛ اما چرا امام سجاد (علیه‌السلام) تا آخر عمر - سی سال





بعد از او، امام سجاد زندگی کردند - در هر مناسبتی نام حسین، خون حسین و شهادت ابا عبد الله را مطرح کردند؛ آن را به یاد مردم آوردند؟ این تلاش برای چه بود؟ بعضی خیال می‌کنند این کار برای انتقام گرفتن از بنی امیه بود؛ درحالی‌که بنی امیه بعدها از بین رفتند. امام رضا (علیه السلام) که بعد از آمدن بنی عباس است، چرا به ریان بن شیب دستور می‌دهد مصیبت‌نامه‌ی ابا عبد الله را در میان خودتان بخوانید؟ آن وقت که بنی امیه نبودند؛ تارومار شده بودند. این کار برای این است که راه حسین بن علی و خون او علم و پرچم حرکت عظیم امت اسلام به سوی هدف‌های اسلامی است؛ این پرچم باید سرپا بماند؛ تا امروز هم بر سرپا مانده و تا امروز هم هدایت کرده است.»^۱

امروز هم هرکسی نام و یاد شهیدان را زنده نگه دارد می‌تواند این خود را به این رتبه برساند مثل کسانی که توسل داشته‌اند به شهیدان و از آن‌ها حاجت گرفته‌اند و خود این دلیلی می‌شود که این شهیدان زنده هستند و دارای حیات می‌باشند «۲۶ سال از شهادت ابراهیم گذشت. مطالب کتاب جمع‌آوری و آماده چاپ شد. یکی از نمازگزاران مسجد مرا صدا کرد و گفت: برای مراسم یادمان آقا ابراهیم هر کاری داشته باشید ما در خدمتیم. با تعجب گفتم: شما شهید هادی رو می‌شناختید؟! ایشون رو دیده بودید!؟»

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۶، صفحه: ۱۹





گفت: نه، من تا پارسال که مراسم یادواره برگزار شد چیزی از شهید هادی نمی دونستم. اما آقا ابرام حق بزرگی گردن من داره.

برای رفتن عجله داشتیم، اما نزدیک تر آمدم. با تعجب پرسیدم: چه حقی؟! گفت: در مراسم پارسال جاسوئیچی عکس آقا ابراهیم را توزیع کردید. من هم گرفتم و به سوئیچ ماشینم بستم. چند روز قبل، با خانواده از مسافرت برمی گشتیم. در راه جلوی یک مهمان پذیر توقف کردیم. وقتی خواستیم سوار شویم با تعجب دیدم که سوئیچ را داخل ماشین جا گذاشتم! درها قفل بود. به خانمم گفتم: کلید یدکی رو داری؟ او هم گفت: نه، کیفم داخل ماشینه! خیلی ناراحت شدم. هر کاری کردم در باز نشد. هوا خیلی سرد بود. با خودم گفتم شیشه بغل را بشکنم. اما هوا سرد بود و راه طولانی. یک دفعه چشمم به عکس آقا ابراهیم افتاد. انگار از روی جاسوئیچی به من نگاه می کرد. من هم کمی نگاهش کردم و گفتم: آقا ابرام، من شنیدم تا زنده بودی مشکل مردم رو حل می کردی. شهید هم که همیشه زنده است. بعد گفتم: خدایا به آبروی شهید هادی مشکلم رو حل کن.

تو همین حال یک دفعه دستم داخل جیب کتم رفت. دسته کلید منزل را برداشتم! ناخواسته یکی از کلیدها را داخل قفل در ماشین کردم. با یک تکان قفل باز شد. با خوشحالی وارد ماشین شدیم و از خدا تشکر کردم. بعد به عکس آقا ابراهیم خیره شدم و گفتم: ممنونم، ان شاء الله جبران کنم. هنوز حرکت نکرده



لشکر خدا

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک

بودم که خانمم پرسید: در ماشین با کدام کلید باز شد؟ با تعجب گفتم: راست می‌گی، کدام کلید بود؟! پیاده شدم و یکی یکی کلیدها را امتحان کردم. چند بار هم امتحان کردم، اما هیچ‌کدام از کلیدها اصلاً وارد قفل نمی‌شد!! همین‌طور که ایستاده بودم نفس عمیقی کشیدم. گفتم: آقا ابرام ممنونم، تو بعد از شهادت هم دنبال حل مشکلات مردمی.



پسیچیان نمونه





بسیجیان نمونه کسانی بوده‌اند که در تاریخ همیشه خوش درخشیده‌اند و همیشه فعالیت‌های زیادی را انجام داده‌اند و در رابطه با امام خودشان به خوبی عمل کرده‌اند ما در این قسمت به عنوان نمونه برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم تا ان شاءالله به برکت نام و یاد این افراد ما هم بتوانیم خود را شبیه آن‌ها کنیم.

۱. سپاه ویژه امیرالمؤمنین (شرطه الخمیس)

این‌ها افرادی بودند که از یاران صدیق امیرالمؤمنین بودند و در ادامه مطلب به این‌که چرا افراد به این اسم نام‌گذاری شدند را بیان خواهیم کرد.

«خمیس» به معنای لشکر و سپاه است؛ از این جهت که در آن عصر، هر لشکر، به پنج بخش تقسیم می‌شد: مقدمه، ساقه، میمنه، میسره و قلب «مقدمه» پیش تاز سپاه؛ «میسره» جناح چپ؛ «میمنه» جناح راست؛ «قلب» مرکز فرماندهی و «ساقه» به معنای دنباله و عقبه سپاه است.^۱

درباره «شرطه» دو معنا وجود دارد:

۱. از ماده «شرط»، به معنای علامت و نشان است و به گروهی از پیشاهنگان سپاه و لشکر که در رزم حاضر باشند، «شرطه» می‌گویند و در مقام نسبت دادن، به آنان «شرطی» می‌گویند. گویا شرطه همان «مقدمه» لشکر

۱. ابن اثیر، النهایه، ج ۲، ص ۷۹.





است که چون دارای علامات و نشانه‌هایی بودند، به این نام خوانده شده و با آن علامات‌ها شناخته می‌شدند. بنابراین شرطه الخمیس نقش پیشقراولی را ایفا می‌کردند و اولین گروهی بودند که وارد جنگ می‌شدند.

۲. شرطه از «شرط» (به سکون راء) به معنای التزام به کاری است. با توجه به این معنا می‌توان شرطه الخمیس را گروه و نیروی ویژه‌ای دانست که به دلیل پیمان و عهد در جان‌برکف بودن، عهده‌دار مأموریت‌های ویژه بوده‌اند. این معنا در روایت نیز بیان شده است: گروهی که با امام شرط بهشت می‌کنند.

همچنین از اصبع بن نباته پرسیدند: چرا «شرطه الخمیس» نام گرفتید؟ پاسخ داد: «ضمننا له الذبح و ضمن لنا الفتح»؛ ما کشتن دشمن را ضمانت می‌کردیم و امیرالمؤمنین پیروزی و بهشت را برای ما ضمانت می‌کرد. با توجه به معانی گفته شده، می‌توان شرطه الخمیس را «نیروی ویژه» ای دانست که به دلیل تعهد و جایگاه خود، همواره در خدمت امام بودند و در جنگ‌ها نیز نقش «مقدمه الجیش» یا پیش‌قراولان لشکر را داشتند.^۱

شرطه الخمیس نخستین بار در جنگ جمل به دست امیر مؤمنان (ع) در عراق تشکیل شد. پس‌ازاین پیکار، گروهی از آنان پس از سخنرانی امام (ع) در مسجد جامع بصره گرد آن حضرت را گرفتند. به گزارش کشی، بشر بن عمرو

۱. رجال الکشی، ص ۶.



لشکر خدا

دفتر نهاد امامت و مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک



همدانی چنین روایت می‌کند که امیر مؤمنان (ع) در میان یاران حاضر شد و فرمود: «اكتبوا فی هذه الشرطة»؛ در این گروه نام بنویسید.

امام حضور در شرطة الخمیس را ارزش معرفی می‌فرمودند؛ به‌گونه‌ای که برخی از یارانشان را به حضور در آن بشارت دادند. امیر مؤمنان (ع) در روز جنگ جمل به عبدالله بن یحیی حضر می‌فرمود:

«أَبَشِّرْ يَا ابْنَ يَحْيَى فَأَنْتَ وَ أَبُوكَ مِنْ شُرْطَةِ الْخَمِيسِ حَقًّا، لَقَدْ أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِاسْمِكَ وَ اسْمِ أَبِيكَ فِي شُرْطَةِ الْخَمِيسِ وَاللَّهُ سَمَّاكُمْ شُرْطَةَ الْخَمِيسِ عَلَيَّ لِسَانِ نَبِيِّهِ»^۱ ای پسر یحیی! بشارت باد که تو و پدرت از شرطة الخمیس هستید. پیامبر خدا از عضویت تو و پدرت در شرطة الخمیس خبرم داد. خداوند شما را به زبان پیامبرش، شرطة الخمیس نامید.

امیر مؤمنان پیوسته از نام و جایگاه شرطة الخمیس یاد می‌فرمود و حتی در گرماگرم جنگ صفین نیز فرمود:

«یا شرطه الموت صبرا، لا يهولنكم دين ابن حرب، فان الحق قد ظهر»^۲؛ ای سپاه مرگ! پایداری کنید و از دین پسر حرب نهراسید که حق قطعاً پیروز است»

۱. رجال کشی، ص ۵

۲. رجال الکشی، ص ۶.

۳. ابن مزاحم، وقعة صفین، ص ۳۸۵





مهم‌ترین مأموریت‌های شرطة الخمیس از این قرار بود:

۱. امنیت کوفه. این گزارش ابواسحاق ثقفی کوفی (متوفی ۲۸۳ق) می‌تواند گواه این امر باشد:

امیرالمؤمنین (ع) هنگامی که از صفین بازگشتند، مالک اشتر را به محل حکومت خود در جزیره فرستادند و به قیس بن سعد فرمودند: شما در کوفه باشید و اداره شرطة الخمیس را به دست بگیرید، تا حکمیت پایان گیرد و بعد به سوی آذربایجان بروید.

۲. با شدت یافتن حملات و غارت‌های کارگزاران معاویه به قلمرو حکومت، امام برای دفع هجوم وحشیانه و دستبردهای آنان، بارها شرطة الخمیس را برای مقابله با آنان اعزام کرد. یحیی بن صالح گوید: یاران من می‌گفتند: علی (ع) هنگامی که شامیان بر نواحی عراق تاختند، شرطة الخمیس را برای جلوگیری از آنها فرستاد، و قیس بن سعد را به تعقیب آنها روانه کرد و او تا اواسط راه شام آنها را تعقیب نمود.

۳. شرطة الخمیس در برخی از مأموریت‌های ویژه، مانند جلب مجرم، کمک در کشف جرم و امور قضایی نیز حضور جدی داشتند. امام محمدباقر (ع) فرمود: روزی علی (ع) وارد مسجد شد و دید جوانی در حال گریستن است. حضرت علت را جویا شد؛ جوان گفت: یا علی! شریح قاضی حکمی



لشکر خدا

دفتر نهاد امامین در مقام معظم رهبری در دانشگاه اوزک



کرده که من نمی‌دانم باید چه کنم! پدر من، با جمعی از دوستان به سفر رفت و همه سالم بازگشتند جز پدر من که بازنگشت. من از آنان سراغ پدرم را گرفتم و ایشان پاسخ دادند که در راه فوت کرده. از اموالش پرسیدم، گفتند: چیزی به جای نگذاشته است. آن‌ها را نزد شریح بردم. همگی نزد شریح قسم خوردند که حرف‌هایشان درست است؛ ولی من می‌دانم پدرم اموال زیادی را همراه خود به سفر برد.

حضرت فرمود تا دوباره همه نزد شریح قاضی بروند. پس همه را نزد شریح بردند. حضرت فرمود: چگونه میان اینان حکم کردی؟ شریح همه ماجرا را بیان کرد و گفت: این جوان شاهدی بر ادعایش (مال و ثروت پدر) نداشت و هم‌سفران نیز همه قسم یاد کردند که او مالی از خود باقی نگذاشته است. حضرت فرمود: هیهات! در چنین مسئله‌ای این‌گونه حکم می‌کنی؟! شریح گفت: یا امیرالمؤمنین! چگونه باید حکم کنم؟ امیرالمؤمنین (ع) فرمود: ای شریح! به خدا سوگند در میان آنان به‌گونه‌ای حکم کنم که هیچ‌کس قبل از من این‌گونه حکم نکرده است، مگر داود پیامبر (ص). آنگاه به غلام خود فرمود:

«يَا قَبْرِ ادْعُ لِي شُرْطَةَ الْخَمِيسِ، فَدَعَاهُمْ فَوَكَّلَ بِهِمْ بِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ رَجُلًا مِنْ الشُّرْطَةِ»؛ ای قبر! شرطه‌ی الخمیس را برای حضور نزد من خبر کن و هر یک از همسفران را به یکی از آنان بسپار.





قنبر چنین کرد. حضرت به تمام آن‌ها فرمود: آیا فکر می‌کنید من نمی‌دانم با پدر این جوان چه کرده‌اید؟ سپس فرمود، آن‌ها را از یکدیگر جدا کنند و چشمانشان را ببندند و هر یک را به ستونی از ستون‌های مسجد ببندند. آنگاه امام (ع) کاتب خود عبیدالله بن ابی رافع را طلبید و فرمود: قلم و دوات را بیاور و خود بر مسند قضاوت قرار گرفت و مردم اطراف آن حضرت جمع شدند. حضرت فرمود: هرگاه من تکبیر گفتم، شما نیز بگویید.

آنگاه یکی از همسفران را نزد خود خواند و چشمانش را باز کرد؛ سپس به کاتب فرمود: هر چه اقرار می‌کنی، بنویس. امام (ع) رو به آن مرد کرد و فرمود: چه روزی با پدر این جوان از منزل خارج شدید؟ چه ماهی بود؟ چه ساعتی بود؟ در کجا پدر این جوان بیمار شد؟ چه بیماری داشت؟ چند روز بیماری‌اش طول کشید؟ چه روزی درگذشت؟ چه کسی او را غسل داد؟ و... مرد همه سؤال‌ها را پاسخ داد. پس حضرت تکبیر گفت و مردم حاضر در مسجد، همگی تکبیر گفتند. از صدای تکبیر، همسفران دیگر به شک افتادند که مرد اول همه‌چیز را آشکار کرده است. آنگاه حضرت فرمود: چشمانش را ببندید و در به‌جای اولش برید و مرد دوم را بیاورید. پس چشمان مرد دوم را باز کردند و در مقابل امام (ع) نشاندهند. امام فرمود: تو گمان می‌کنی که من حقیقت را نمی‌دانم؟ مرد دوم گفت: یا امیرالمؤمنین! من فقط یکی از این جماعت بودم و دوست نداشتم او را بکشند. آنگاه به تمام ماجرا اقرار کرد. تا این‌که همه





همسفران نیز یکی یکی اقرار کردند؛ به همان صورتی که مرد دوم اقرار به گناه کرد. در پایان این محاکمه، حضرت فرمودند تا اموال آن مرد را پس بدهند و خون بهای مقتول نیز از آنان گرفته شد. پس از این ماجرا، امیرالمؤمنین (ع) درباره نوع قضاوت حضرت داود (ع) مطالبی مفصّل به شریح فرمود.^۱

۲. اصحاب سیدالشهدا در عاشورا

امیرالمؤمنین درباره اصحاب سیدالشهدا این گونه می فرماید:

«عَنْ هُرْثَمَةَ بْنِ سُلَيْمٍ قَالَ: عَزَوْنَا مَعَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ غَزْوَةَ صِفِّينَ فَلَمَّا نَزَلْنَا بِكَرْبَلَاءَ صَلَّى بِنَا صَلَاةً فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ إِلَيْهِ مِنْ تَرْبَتِهَا فَشَمَّهَا ثُمَّ قَالَ: وَاهَا لَكَ أَيَّتُهَا التُّرْبَةُ لِيَحْشُرَنَّ مِنْكَ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۲

هرثمة بن سلیم گفت: برای پیکار صفین، همراه علی بن ابی طالب به جنگ بیرون شدیم، چون به کربلا فرود آمدیم بر ما نماز خواند و چون سلام داد قطعه‌ای از خاک آن زمین برابرش بر آمد، آن را بویید و سپس گفت: خوشا بر تو ای خاک پاک، گروهی از تو به محشر برآیند که بی حسابرسی به بهشت در آیند.

از آنجایی که بهترین اصحاب و بسیجیان هستند حضرت اباعبدالله الحسین در وصف آنان در شب عاشورا این گونه می فرماید:

۱. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴

۲. وقعة صفین، النص، ص ۱۴۰





«أَمَا بَعْدُ، فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِي
وَلَا أَوْصَالَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا، أَلَا وَإِنِّي لِأَظُنُّ أَنَّهَ آخِرُ يَوْمٍ لَنَا
مِنْ هَؤُلَاءِ، أَلَا وَإِنِّي قَدْ أَذِنْتُ لَكُمْ فَانْطَلِقُوا جَمِيعًا فِي حِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنِّي
ذِمَامٌ، هَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا. فَقَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ وَأَبْنَاؤُهُ وَبَنُو أَخِيهِ وَأَبْنَا
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ: لِمَ نَفْعَلُ ذَلِكَ؟ لِنَبْقَى بَعْدَكَ؟! لَا أَرَانَا اللَّهُ ذَلِكَ أَبَدًا.»^۱

امام سجاد علیه السلام در بیان وقایع روز تاسوعا، هنگامی که امام حسین
علیه السلام یارانش را در نزدیکی غروب جمع کرد: به امام علیه السلام نزدیک
شدم تا سخنانش را بشنوم. در حالی که آن زمان، بیمار بودم، شنیدم که به یارانش
می گوید: «خدای را به بهترین ستایش ها می ستایم و او را بر خوشی و سختی،
سپاس می گویم. خدایا! من تو را سپاس می گزارم؛ چون ما را با نبوت، گرمی
داشتی و به ما قرآن آموختی و ما را فهم دین شناسی عنایت فرمودی و به ما گوش
و چشم و دل دادی. پس ما را از سپاسگزاران قرار ده.

اما بعد؛ من یارانی وفادارتر و بهتر از یاران خویش، سراغ ندارم و خاندانی
نیکوکارتر و به هم نزدیک تر از خاندان خود نمی شناسم. خداوند از جانب من
خیرتان دهد.

۱. موسوعة الامام الحسين (عليه السلام)، ج ۱۲، ص ۲۲۷





بدانید که من گمان می‌برم امروز، آخرین روز مهلت ما و ایشان است، هان من به شما اجازه دادم همگی بروید که گره بیعتم را از گردنتان بشویم. این شب، پوشش شماست. آن را مرکب خود سازید و بروید».

برادران و پسران و برادرزادگانش و نیز دو پسر عبد الله بن جعفر گفتند: چرا چنین کنیم؟! تا پس از تو بمانیم؟! خدا هرگز این را برای ما پیش نیاورد.

عبّاس بن علی رضوان خدا بر او باد آغازگر این سخن بود و دیگران در پی او و چون او سخن گفتند.

امام حسین علیه السلام فرمود: «ای پسران عقیل! کشته شدن مسلم برای شما کافی است. بروید که من به شما اجازه دادم».

آنان گفتند: سبحان الله! آن‌گاه مردم چه می‌گویند؟ می‌گویند: ما بزرگ و سالار و پسرانِ بهترینِ عموهایمان را وا نهادیم و با آنان، نه تیری پرتاب کردیم و نه نیزه‌ای زدیم و نه شمشیری برکشیدیم و نمی‌دانیم چه کردند. نه، به خدا سوگند، چنین نکنیم؛ بلکه جان و مال و خاندانمان را فدای تو کنیم و همراه تو پیکار می‌کنیم تا هرجا که تو درآیی. خدا زندگی پس از تو را روسیاه بدارد.

و مسلم بن عوسجه در برابر امام حسین علیه السلام برخاست و گفت: آیا تو را تنها گذاریم، در حالی که هنوز در برابر خدا حجتی در ادای حَقّت نداریم؟!





هان! به خدا سوگند، [دست از تو بردارم] تا سینه‌هایشان را با نیزه‌ام بشکافم و تا آن‌گاه که دسته شمشیرم را به دست دارم، با آنان بجنگم و اگر سلاح جنگ نیز نداشته باشم، بر ایشان سنگ بیندازم. به خدا سوگند، دست از تو بر نداریم، تا آنکه خدا بداند ما پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، حرمت تو را پاس داشتیم.

به خدا سوگند، اگر می‌دانستم که کشته می‌شوم و سپس زنده می‌گردم و سوزانده می‌شوم، سپس دوباره زنده می‌شوم و [خاکستر] را به باد می‌دهند و هفتاد بار با من چنین کنند، از تو جدا نمی‌شدم تا مرگ خویش را در یاری تو ببینم. حال چگونه از تو جدا شوم با اینکه يك کشته شدن بیش نیست و پس از آن هم کرامت بی‌پایان ابدی است؟! و زهیر بن قین بجلی درود خدا بر او باد برخاست و گفت: به خدا سوگند، دوست داشتم که هزار بار کشته شوم و زنده گردم و خدای متعال، قتل را بدان وسیله از تو و این جوانان خاندانت دور سازد. دیگر یاران امام حسین علیه السلام نیز سخنانی مانند هم و برای ابراز فداکاری خود بیان داشتند و امام علیه السلام نیز برای آنان، پاداش خیرخواست و به خیمه خود بازگشت.





منابع

۱. آیتی، محمدابراهیم، ابوالقاسم گرجی، *تاریخ پیامبر اسلام*، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی (الصدوق)*، ۱ جلد، کتابچی - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۴. ابن اثیر، ابوالسعادات مجدالدین مبارک بن محمد شیبانی موصلی، *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، المكتبة العلمية - بیروت، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ۵ جلد، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)*، ۱ جلد، انتشارات دهقان - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۰ ش.
۷. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، *حدیث ولایت ۲*، مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۸. خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، تهران، ۲۱ ج، موسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۹.



۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة (للصباحی صالح)*، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. صدوقی، حمیدرضا، *حماسه کاوه*، انتشارات ستاره ها، تهران، ۱۳۹۸.
۱۱. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم.
۱۲. کشی، محمدبن عمر، فضل الله عبداللهی، *رجال کشی*، آماره، ۱۴۰۰.
۱۳. گروهی از نویسندگان، *موسوعة الامام الحسین (علیه السلام)*، ۲۴ جلد، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. محقق، محمدباقر، *نمونه بینات در شأن نزول آیات*، ۱ جلد، اسلامی - ایران - تهران، چاپ: ۴، ۱۳۶۱ ه. ش.
۱۵. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم علیه السلام، *مصباح الشریعة*، ۱ جلد، اعلمی - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۰۰ ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)*، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. نصر بن مزاحم، *وقعة الصفین*، مکتبه آیه العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۱۸ ق.





بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است...

بسیج لشکر مخلص

خداست

که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان امر اولین تا آخرین امضا نموده اند.

صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۱۹۴